

نوج



در این شماره می‌خوانید:

- درخت بخشنده
- ترجمه در ادبیات داستانی
- نقش جملات آغازین و پایانی در قصه گویی
- گزارشی از کارگاه تند خوانی
- بررسی روش زندگی ماهی قزل آلا
- بررسی تاثیر جامعه شناختی معماری منظر
- نقد و بررسی آثار هنری





بچه‌ها را متدین بار بیاورید. متدین بار آوردن بچه‌ها همان چیزی است که می‌تواند آینده‌ی این کشور را آباد کند.

۱۲ اردیبهشت ۱۳۸۴

بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار جمعی از معلمان استان کرمان



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فصل نامه فرهنگے، هنری و ادبے نوج

صاحب امتیاز: اداره کل کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان استان مازندران

مدیر مسئول: دکتر حامد فاضلی کبریا

مدیر داخلی: فرشته شهمیرزادی

سردبیر: میثم متاجی

زیر نظر شورای سردبیری: سهیلا بابایی- نعیمه خنکدار - مژده پاک سرشت

ربابه هاشمی- رضا عابدی- فاطمه احسانی

همکاران این شماره:

ربابه هاشمی- مژده پاک سرشت - مریم فلاحی- فاطمه احسانی- نرجس حق

شناس- سمیه حسن پور- محمد جواد کشوری- جعفر ولیپور- مهدیس رضایی-

هدی رضانی- شهلا نیکو نیا- مریم علیزاده

عکس: حامد افروزیان

صفحه آرایی و گرافیک: رضا عابدی

و با تشکر از واحد اداری و مالی و حراست کانون مازندران

نشانی: مازندران ، ساری ، خیابان رودکی – جنب پارک کوشا سنگ - اداره کل

کانون پرورش کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان استان مازندران

آدرس ایمیل: mazandaran@kpf.ir

پایگاه اطلاع رسانی:

<https://www.kanoonnews.ir/service/province/mazandaran>

شماره تماس: ۳۳۶۰۸۵۶۶ - ۳۳۶۰۸۵۶۵



فهرست

۹	درخت بخشنده
۱۱	ترجمه در ادبیات داستانی کودک
۱۳	نقش جملات آغازین و پایانی در قصه گویی
۱۴	گزارشی از کارگاه تند خوانی
۲۲	بررسی روش زندگی ماهی قزل آلا
۲۹	بررسی تاثیر جامعه شناختی معماری منظر
۴۲	نقد و بررسی آثار هنری
۴۸	برایم بمان
۵۰	به دنبال نشانه‌ها
۵۱	مال خودش
۵۲	در ستایش بالش اتاق عمل
۵۴	اخبار برگزیده کانون مازندران





رئیس‌جمهور در گفت‌وگو با رسانه رهبر انقلاب گفت: در مسئله فرهنگ، اول باید خودمان را درست کنیم. اگر من آدم درستی باشم و اخلاق درستی داشته باشم، اگر دلسوز مردم باشم و مردم این را بفهمند که من دلسوز آنها هستم، دیگر امکان ندارد مردم من را دوست نداشته باشند و از اخلاق و رفتار من الگو نگیرند. در نتیجه، در رابطه با فرهنگ، بیشتر باید به خودمان برسیم.

۵ مرداد ۱۴۰۳



دکتر علیرضا کاظمی
وزیر محترم آموزش و پرورش

ما امروز در این جشنواره تولیداتی داریم که این تولیدات نباید در این محیط بسته باقی بماند. باید در فضای جامعه، فضای کودک و نوجوان بسط و نشر پیدا کند. باید از ظرفیت صدا و سیما، فضای مجازی و شبکه‌های واقعی استفاده کنیم و زمینه ابراز این هنرها را فراهم کنیم به‌ویژه در مناطق محروم. امروز ما در حوزه کودک و نوجوان به شدت خلا داریم. ما باید مرجعیت کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان را ارتقا بدهیم و جایگاه آن را به روز اول برگردانیم. حضور شخصیت‌های فرزانه در حوزه کودک و نوجوان یکی از الزام‌هایی است تا کودکان و نوجوانان با این الگوها آشنا شوند. اگر قرار باشد این اتفاق رخ بدهد باید بسترش را فراهم کنیم.

آیین پایانی «نوزدهمین جشنواره هنرهای نمایشی کودکان و نوجوانان»
۳۰ شهریور ۱۴۰۳



دکتر حامد علامتی
مدیر عامل محترم کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان

همه شما اهالی فرهنگ و هنر هستید در دنیا، فرهنگ را به عنوان فرهنگ پدافندی تعریف می‌کنند فرهنگی که خصوصیت گسترش دارد؛ یا تهاجمی یا تدافعی است. آن چیزی که از مبادی دینی و اسلامی به ما رسیده آن است که نگاه پیامبر اسلام در حوزه فرهنگ یک نگاه اصولی و ارزشی بوده است و ما به تاسی از ایشان باید گام‌های موثری برداریم بخشی از کارهایی که ایشان کردند این بود که نگاه انسان‌ها را به خودشان و دیگران و جامعه خود متعالی کردند. پیامبر در غنای فرهنگ اسلام همه را متوجه یک زیست مسالمت‌آمیز کردند و افق‌های جدیدی را پیش روی انسان قرار دادند. مهم‌ترین هنر ایشان نیز هنر گفت‌وگو، تعامل و هدایت‌گری به سمت هنر متعالی بود.

آیین پایانی «نوزدهمین جشنواره هنرهای نمایشی کودکان و نوجوانان»
۳۰ شهریور ۱۴۰۳



سخن مدیر مسئول

خدمت همه‌ی مخاطبان گرامی فصل‌نامه‌ی نوج عرض سلام و ادب و احترام دارم. خدا را شاکریم که پنجمین شماره‌ی مجله‌ی فرهنگی، هنری و ادبی نوج منتشر شد. کمافی‌السابق قدردان شما همراهان گرامی هستیم چرا که این اتفاق بدون مشارکت همکاران گرامی و اعضاء خوب کانون مازندران محقق نمی‌شد. مانند همیشه مطالب ارزشمند شما مخاطبین نوج دریافت شد و بنا به رویکرد نشریه انتخاب و در این شما درج گردید. مطالبی که در راستای محتوای فرهنگی، هنری و ادبی سعی دارد بر اندوخته‌های مخاطب خود بیافزاید. قلم و اندیشه‌ی شما همیشه پویا و جاری باد که همراهان کهنظیری برای فصل‌نامه‌ی نوج محسوب می‌شوید.

امیدوارم در کنار شما بزرگوارانی که این سطور را می‌خوانید شماره‌های آتی نوج نیز منتشر شود و سندی ماندگار از تفکر و هنر همکاران و اعضاء خوب کانون مازندران به یادگار بماند. چرا که یکی از بهترین راه‌های تثبیت و نگهداری آثار این است که به شکل مکتوب درج شوند تا به دست آیندگان نیز برسند. در پایان عرض می‌کنم که باز هم مانند گذشته منتظر آثار شما در بخش‌های گوناگون هستیم. نوج را نشریه‌ی خودتان بدانید چرا که بدون حضور شما هویتی نخواهد داشت و برای اعتلای آن همراه باشید. امیدوارم چنین گام‌هایی برای پرورش کودکان و نوجوانان ایران زمین موثر واقع شود و به بالندگی بیش از پیش همکاران نیز کمک کند.

حامد فاضلی کبریا
مدیرمسئول گاهنامه فرهنگی، هنری و ادبی نوج

ودختر مورد علاقه‌اش هم همین کار را تکرار می‌کند و این نشان می‌دهد که پسرک می‌داند درخت چه بی‌بهره‌ای را دوست دارد.

شاید بتوان بازی پسرک با برگها و ساختن تاج پادشاهی را نشانی از ریاست طلبی و زیادی خواهی شاهانه تلقی کرد.

هنگامی که پسرک بزرگتر می‌شود و دوباره سراغ درخت را می‌گیرد، همان زمانی است که به درخت نیاز پیدا کرده است و درخواستی نامعقول از او دارد. پسرک از درخت پول می‌خواهد. هر چند که باید بداند طلب پول از یک درخت عادی نیست ولی به نظر می‌رسد آن چنان از علاقه او به خودش مطمئن است که بی‌هیچ نگرانی تن به این تقاضای غیر عادی می‌دهد و درخت هم بی‌هیچ ادعایی در مرحله اول سیب‌هایش و دفعات بعدی دیگر اعضای بدنش را در اختیار پسرک قرار می‌دهد.

پسرک در هر مرحله پس از مرتفع شدن نیازش بدون هرگونه قدردانی می‌رود تا دفعه بعدی که محتاج درخت می‌شود و به سوی او باز می‌گردد، درخت از اینکه می‌تواند به درخواست او پاسخ مثبت دهد خوشحال است.

مهربانی بی‌قید و شرط درخت ما را به یاد مهربانی مادران می‌اندازد و بیشتر مادرانی که فرزندان‌شان را پرتوقع و ناسپاس تربیت کرده‌اند...

حتی در پایان داستان که پسرک پیرمردی خمیده شده است باز هم درخت می‌گوید «دلیم می‌خواست که میتوانستم چیزی بهت بدم» و این نشان می‌دهد که درخت از موقعیتی که در آن قرار گرفته ناراضی نیست.

پیرمردی که حالا جایی برای استراحت می‌خواهد و کنده‌ی پیر خودش را به عنوان صندلی در اختیار درخت قرار می‌دهد «درخت خوشحال شد» اما چهره‌ی نقاشی شده پیرمرد نشانی از شادی ندارد. پیرمرد حتی مسئولیت نگهداری از کلاهش را هم نمی‌خواهد برعهده بگیرد و در آخرین تصویر کلاهش را بروی زمین گذاشته است.

هرچند از جهت مایه گذاشتن از وجود خود، رفتار درخت ستایش برانگیز است و همچون عاشقی است که بی‌هیچ چشم‌داشتی می‌بخشد و از خوشحالی معشوق شاد است. اما این داستان می‌تواند تلنگری باشد نه تنها بر مادران بلکه بر همه‌ی کسانی که بی‌اندازه می‌بخشند، تعادل را در تعاملاتشان



درخت بخشنده

فاطمه احسانی کلاریجانی

کارشناس فرهنگی کانون مازندران

نویسنده: شل سیلور استاین

درخت بخشنده داستان درختی است که پسر کوچکی را دوست دارد و در مسیر این دوستی از همه‌ی چیزهایی که دارد، می‌گذرد.

این کتاب از آن دست کتابهایی است که بزرگسالان را همچون کودکان مجذوب خودش می‌کند. کتاب با استفاده از ویژگی خاص آثار سیلور استاین که نقاشی‌های خطی، ساده و پرمعنا می‌باشد، کودکان و نوجوانان را نیز به به حداقل یک بار خواندن تشویق می‌کند.

تصویر روی جلد کتاب درخت سبزی است که شاخه‌اش سیب قرمزی را به سمت پسرک پرت می‌کند. انتخاب این دو رنگ برای لباس پسرک تصادفی نیست و شاید می‌خواهد نمادی از دوستی پسرک و درخت باشد.

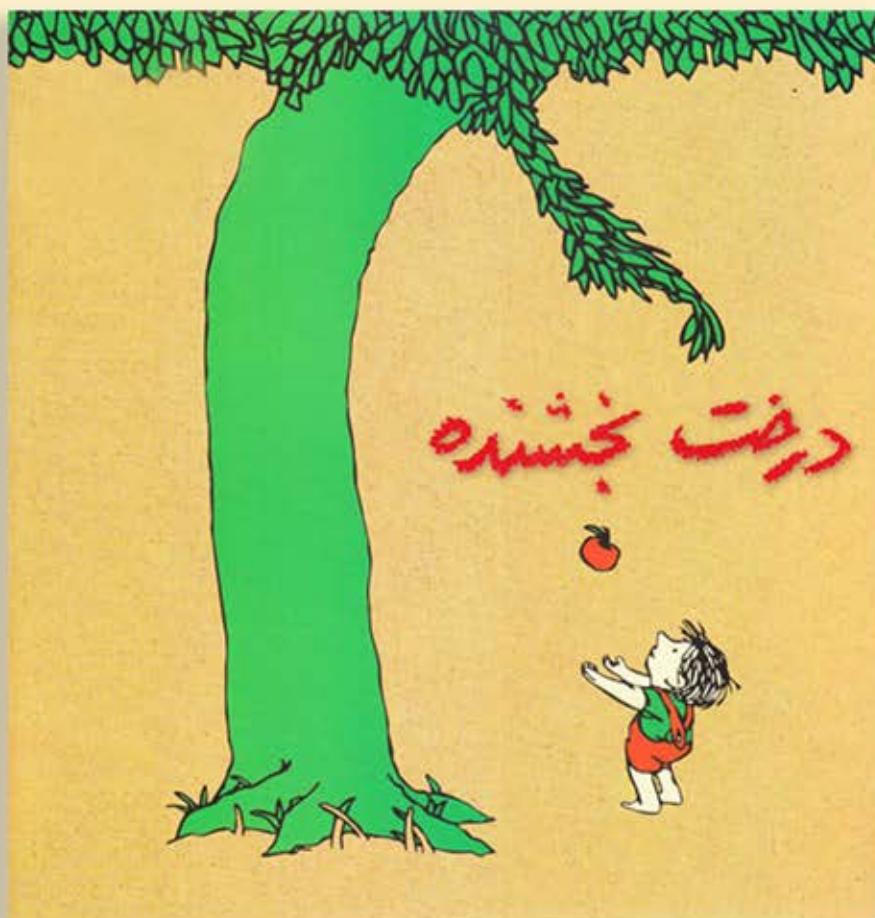
نامگذاری رابطه‌ی بین این دو با واژه «دوستی» جای تامل دارد. دوستی که پسرک همه چیز می‌گیرد و هیچ چیز نمی‌دهد. بیشتر به صیادی شباهت دارد که درختی راز طبیعت صید کرده و همه چیزش را از او می‌گیرد.

او در مراحل مختلفی از زندگی‌اش که دچار مشکل می‌شود، سراغ درخت می‌رود و نیازهایش را برآورده می‌کند و نشانی از قدر دانی و در پی جبران برآمدن در او دیده نمی‌شود.

البته در بخش‌های ابتدایی کتاب می‌توان رگه‌هایی از علاقه پسرک نسبت به درخت پیدا کرد همان جا که او را آغوش می‌گیرد، با او بازی می‌کند و در کنارش وقت می‌گذراند. جمله‌ی «درخت خوشحال بود» نیز تأکیدی بر این احساس خوب درخت دارد.

در بخش دیگری از داستان یادگاری کردن پسرک بر تنه‌ی درخت را می‌بینیم. او برای ایجاد نماد دوستی بین خودش و درخت زخم کردن بدن دوستش را برمی‌گزیند و «من و درخت» را برای روی درخت حک می‌کند. حتی برای نشان دادن عشق بین خودش

رادر تعاملاتشان فراموش می کنند و نشانه هارا جدی نمی گیرند. بدون تفکر و بازنگری به رفتارهایشان ادامه می دهند، تک بعدی زندگی می کنند.
می توان پرسید: آیا خوشحالی پایانی درخت واقعی است؟ آیا دلیل ناراحتی پیرمرد فقط خودش است و درخت سهمی در این احساس عدم رضایت از زندگی ندارد؟





ترجمه در ادبیات داستانی کودک

در سالهای (۱۳۴۰ تا ۱۳۵۷)

مریم فلاحی نرمی، مسئول کانون نشتارود

چکیده

در بازه‌ی زمانی سالهای ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۷ کتبهای ترجمه شده نسبت به کتاب های تالیفی رشد به سزایی داشت. اگرچه مترجمان نلشناخته و کم سن و سال زیاد بودند و متن ها دارای نایسلماتی هایی بود اما ترجمه هایی روان و زیبا و با دقت و امانت

به کار گیری گسترده از مترجمان کم تجربه بود به عنوان مثال بیشترین شمار (کتبهای طلایی) انتشارات امیر کبیر را محمدرضا جعفری هنگامی که ۱۵ سال بیشتر نداشت و بخش بزرگی از انتشارات گوتنبرگ را ناهید کلشیچی در نوجوانی ترجمه کرده اند بیشتر کتبهای ترجمه شده این دوران چکیده روایت های افسانه های ملل و کتاب های تصویری یا کمیک های جذاب و سرگرم کننده تشکیل می دادند.

یکی دیگر از ویژگی های کتاب های ترجمه شده این دوران گوناگونی منبع انهلست به عنوان مثال بحران جنگ سرد تجربه های سیلسی و اجتماعی ایران در ادبیات کودک و نوجوانان بازتاب داشت پروگرس که یک نشر روسی بود بیشتر کتبهایی با موضوع ایدئولوژیک سوسیالیستی منتشر می کرد در حالیکه ناشران دیگر به ویژه ناشران خصوصی کوچک از بنگلههای انتشاراتی غربی کتاب می گرفتند و ترجمه می کردند شدت گرفتن گرایش های ضدغربی در این دهه سبب شد تا بر خلاف دوره های پیشین که بیشتر کتاب ها از آثار نویسندگان اروپایی و امریکایی گزینش می شدند آثار ادبی از کشورهای دیگر مورد توجه قرار بگیرند.

یکی دیگر از ویژگی های ادبیات ترجمه کودک و نوجوانان در این دوره گسترش گونه های ادبی در میان کودکان و نوجوانان بود خوانندگان در این دوره یا گونه های داستان های کمیک غیر ایرانی داستان های واقعگرا فانتزی و افسانه آشنا شدند افسانه های ملل همواره برای کودکان کشش داشتند و به فراوانی ترجمه می شدند بیشتر ترجمه ها از این گونه ادبیات داستانی با شخصیت جانوری بودند هدف از این داستانها اشتراختن کودکان خرد سال با محیط و رفتارهای اجتماعی بود در سالهای پایانی این دوره، گرایش به ادبیات داستانی واقع گرا که نوجوانان را در محیط های واقعی روپارو با پدیده های روز جهان نشان می داد به ویژه برای نوجوانان افزایش یافت.

نسبت به اصل آثار بارها و بارها به چاپ میرسید بی گمان این پدیده تحت تاثیر جریانات و اوضاع سیاسی و اجتماعی آن زمان بود بران شدیم تا ناشران مهم و مترجمان به نام و همچنین کتبهای معروف و شاخص ترجمه شده را معرفی کرده و ویژگی متون ترجمه شده و همچنین گونه های ادبی در ترجمه را بشناسیم.

مقدمه:

سالهای ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۷ در سنجش با دوره های پیشین دوره ی بالندگی ترجمه متن های ادبی برای کودکان و نوجوانان ایران است. در این سالها ادبیات ترجمه شده رشد چشمگیری یافت. استواری و پختگی ترجمه برای این گروه سنی برآمده از جریان عمومی ترجمه در ایران بود و این دوره ناشران بیشتری به گستره ی کتاب های کودکان وارد شدند و پاره ی از آنان یخش اصلی کار خود را به انتشار کتاب های ترجمه اختصاص دادند. کشش بازار چنان بود که آنها برخی از آثار ترجمه را در قالب مجموعه منتشر می کردند بسیاری از کتاب ها با شمارگان بیش از ۳۰۰۰ منتشر می شد و گاهی برخی از کتاب ها به باز چاپ هایی چندباره می رسید ادبیات کودکان در این دوره تجربه های ارزشمندی ر بر پایه گزینش کتاب برای ترجمه پشت سر گذشت.

موسسه فرانکلین به سبب دسترسی گسترده به منابع گوناگون ادبیات کودکان جهان شماری از آثار ادبی ارزشمند کودکان و نوجوانان را ترجمه می کرد. کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان نیز از سالهای نخستین دهه ۵۰ به انتشار آثار برجسته ادبیات کودکان و نوجوانان جهان روی آورد. کانون همچون فرانکلین در گزینش اثر و مترجم تیزبین بود و در انتشار این آثار به حق تالیف و ترجمه توجه داشت.

ویژگی های متن های ترجمه شده:

با اینهمه بخش بزرگتر قلمرو ترجمه برای این گروه نابسامان بود بسیاری از کتبهای ترجمه اندرونه ی نالستوار و زبانی سست و نامناسب برای مخاطبان داشتند و علت آن به

و چه از جانب چاپ و بیشترین شمار کتاب های تصویری ار منتشر کردند. انتشارات دادجو مجموعه های دیگری از افسانه های ملل در قالب کتابهای تصویری برای کودکان منتشر کرد. همچون: سری داستانهای شقایق.

کیفیت تصاویر انتشار این گونه کتابها را برای بیشتر ناشران غیرممکن می ساخت. انتشارات پدیده و دادجو همچنین کتابهایی در اندازه های بزرگ و کیفیت رنگی مناسب مانند: سیندرلا-فلوت زن-علاالدین و چراغ جادو-گره چکمه پوش-شنل قرمزی-سفیدبرفی و ...

افسانه های ملل

افسانه های ملل در این دوره همچون دوره های پیشین از دوست داشتنی ترین خواندنی های کودکان و نوجوانان بودند. و بیشترین شمار کتابهای چاپ شده را در بر می گرفتند. یکی از مهم ترین کارکردهای افسانه های ملل برای کودکان و نوجوانان شناخت فرهنگ ها و ادب و رسوم سرزمین های گوناگون بود.

انتشارات امیرکبیر در ترجمه و انتشار افسانه ها و داستان های ملل سهم بزرگی داشت. شماری از این افسانه ها در مجموعه بزرگ ۸۰ تایی کتابهای طلایی منتشر شدند. کتابهایی مانند: سندباد-شاهزاده های پرنده-سفیدبرفی و گل سرخ-دختر مهربان و ستاره ها و دهها داستان و افسانه ی دیگر مجموعه ارزشمند (ملتها قصه می گویند) نشانه تلاش امیرکبیر در شناساندن افسانه های ملل به شیوه ی متفاوت بود. در بیشتر کتاب های این مجموعه پیشگفتاری از نویسنده یا مترجم آمده است که به خوانندگان آگاهی های لازم را درباره منابع افسانه ها یا داستان های گردآوری شده می دهد.

در بهار سال ۱۳۵۴ کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان با همکاری مرکز یونسکو و کمیسیون ملی یونسکو در ایران کتابی با عنوان (با هم زندگی می کنیم) را با ویرایش سیروس طاهباز منتشر کرد. این کتاب مجموعه قصه هایی از کشورهای ایران هند ژاپن امریکا شوروی مصر فرانسه انگلیس که با نقاشی های بهمن دادخواه-نورالدین زرین کلک-پرویز کلانتری-فرشید مثقالی-و علی اکبر صادقی به چاپ رسید. دومین همکاری کانون پرورش فکری با یونسکو

نهادهای ادبیات کودکان ایران به دو سبب به آثار ترجمه توجه می کردند: نخست اینه آثار ترجمه شده روزنه ی برای آشنایی کودکان ایرانی یا دیگر فرهنگ ها و مردمان جهان بود. آنگروه ی صلح و همزیستی که به ویژه به گستره های نظری ادبیات کودکان این دوره راه یافته بود بهترین راه تحقق خود را در ادبیات ترجمه می دید. او علت دوم می توانست الگویی مناسب برای شیوه ی نگارش-تصویر گری و دیگر روش های هنری برای ادبیات نوپای تالیفی کودکان ایران باشد

در آغاز شکوفایی ادبیات کودکان ایران، گفت و گوها بیش از آنکه درباره ارزشمندی ترجمه باشند درباره دشواری و حتی کژی و کاستی های ترجمه بود. در این زمان نگرانی هایی که همواره ذهن کارشناسان را به خود مشغول می کرد نسبت بالای ادبیات ترجمه به ادبیات تالیفی کودکان بود.

توران میرهادی، نگرانی کارشناسان شورای کتاب را در سخنان خود این گونه بازتاب می دهد: نمی توان از سیر تحول ادبیات کودکان در ایران صحبت کرد و از اثر عمیق ترجمه ی آثار خارجی و تولید کتاب در خارج از ایران و سیر تحوّل ان یاد نکرد. آنچه مسلم است ایران از کشورهای است که هنوز داد و ستد فرهنگی در ان در زمینه کتابهای کودکان متعادل نشده است. زمانی که نسبت تالیف و ترجمه از ۱۰ به ۹۰ به ۵۰ به ۵۰ برسد و تعدادی از کتابهای فارسی به سایر زبانهای دنیا ترجمه شود. می توان گفت به تعادل رسیده است. که با تلاش های کانون پرورش فکری و سایر ناشران این نسبت در سالهای اخیر در جهت تعادل پیش رفته است. انواع گونه های ادبی در ترجمه:

کتاب های تصویری: در این دوره بر شمار آثار ترجمه برای کودکان پیش دبستانی و سالهای نخست دبستان نیز افزوده شد. بخش بزرگی از این آثار را کتابهای تصویری تشکیل می دادند. تولید کتابهای تصویری از سوی نویسندگان و تصویرگران ایرانی همواره یکی از کمبودهای چشمگیر ادبیات کودکان ایران بوده است. ناآشنایی با این گونه ادبی هزینه ی بالای انتشار چه از جنبه بکارگیری تصویرگران حرفه ای

شکل فزاینده‌ی به یازتاب پیچیدگی‌ها و تنوع زندگی نو پرداخت. این گرایش در ادبیات واقع‌گرای اروپا و امریکا در اثری که برای کودکان و به ویژه نوجوانان ترجمه شده است آشکار است. رمان زنان کوچک اثر مارک تواین از داستان واقع‌گرای آن دوره می‌باشد. کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در فهرست کتابهای ترجمه خود نمونه‌ی از ادبیات واقع‌گرا با عنوان کودک سرباز دریا را منتشر کرده است. کودک سرباز دریا نوشته‌ی ژرژ فون ویلیه ترجمه‌ی دلارا قهرمان (۱۳۵۰) ماجرای پسر نوجوانی فرانسوس است که پدرش را در جنگ جهانی دوم از دست داده و با مادرش زندگی می‌کند. دهکده‌ان‌ها در جنگ سربازان المانی است. پی‌یر می‌کوشد همدوش سربازان بزرگسال علیه سربازان المانی بجنگد او در ماجرای بزرگ و خطرناک راه می‌باید..... از جمله آثار ادبیات واقع‌گرا که در آن دوره ترجمه و منتشر شده است می‌توان به خانواده زیر پل جزیره دلفینهای ابی رنگ-فللی و انتوان-اتوبوس مدرسه بچه‌های راه‌آهن..... نام برد

ادبیات ایدئولوژیک

ادبیات کودکان شوروی و چین

ادبیات کودکان و نوجوانان شوروی بیشتر از سوی ناشر روسی (پروگرس) که در هنگتیم اوج‌گیری جنبش‌های چپ در ایران فعالیت می‌کرد وارد ایران شد. درونمایه کتابها بیشتر ایدئولوژیک و کمابیش سیاسی بودند. از جمله آثار نویسندگان روسی در این دوره می‌توان به کتاب کلاغ سیاه-گنجشک زرنگ و بامبولی-ماهی خوشگلک زبر و زرنگو خرگوش شجاع درازگوش چشم ریز دم کوتاه می‌توان اشاره کرد در این دوره شماری از آثار با اندرونه سیاسی یا ایدئولوژیک از زبان چینی ترجمه شده است. در سالهای ۱۳۵۴ تا ۱۳۵۷ داستان‌های گوناگونی برای کودکان به فارسی آمدند که ماجراهای آن در دوره انقلاب چین و جنگ‌های داخلی ملیگرایان بود. کتاب راه‌آزادی-شبنامه-مرغ یفید کوچولو از جمله این آثار می‌باشد.

کتاب (قصه‌های مردم آسیا برای کودکان همه جا) بود که در اذر ۱۳۵۵ منتشر شد

افسانه‌های نو و فانتزی

داستان‌های هانس کریستین اندرسن همواره از پرخواننده‌ترین افسانه‌های نو در تاریخ ترجمه بوده‌اند. در این دوره نیز شماری از ناشران به انتشار قصه‌هایی ازین داستان‌ها پرداختند. در دهه ۱۳۳۰ هنگام ورود گسترده ادبیات غیر ایرانی برای کودکان و نوجوانان به ایران بسیاری از آثار فانتزی به دلیل اوازه‌جهانی‌شان در ایران ترجمه شدند. برای نمونه می‌توان به اثری چون: الیس در سرزمین عجایب- الیس در سرزمین اینه-ها-جادوگر شهر اوز-شازده کوچولو و پینوکیو اشاره کرد. اما کارشناسان ادبیات دوره دوم شکوفایی فانتزی را

سالهای پس از جنگ جهانی دوم می‌دانند. خیلی از فانتزی‌ها در ایران ترجمه شدند و ناشران برجسته‌ی همچون کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان-امیرکبیر و فرانکلین، فانتزی‌های پرمایه را به کودکان و نوجوانان ایرانی شناساندند. از جمله داستان‌های فانتزی و افسانه‌های نو در آن دوران می‌توان به داستان‌های: پی‌پی در دریاها- جنوب- پی‌پی در کشتی- ما بچه‌های بولربو- میومیوی من- طلایی کوچولوی من و انگشا سحرامیز اشاره کرد

داستان‌های واقع‌گرا

داستان‌های واقع‌گرا در این دوره یعنی از سال ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۷ پس از پشت سر گذاشتن دگرگونی‌های بسیار وارد مرحله‌ی تازه‌ی می‌شود که به عنوان دوره‌ی آفرینش رمان‌های مسئله‌محور از آن نام برده شده است. از عهد ویکتوریا تا سال‌های پایانی دهه ۱۹۵۰ رمان‌های واقع‌گرا محیط آرام و گرم خانواده با قانون‌ها و نقش‌های سنتی‌اش را بازتاب می‌دادند. در این داستان‌ها مردان زنان و کودکان نقش‌های کلیشه‌ی داشتند. نقش‌های اجتماعی و دانش‌آموختگی از آن مردان بود زنان فقط نقش همسری و مادری و کودکان هم پادشاهت قانون و پذیرش قدرت بزرگسالان انجام فرائض و کمک کردن و و آموختن را داشتند. اما در سال ۱۹۶۰ ناگهان وضع‌گرگون شد و درونمایه رمان‌های واقع‌گرای نوجوانان به

منابع:

تاریخ ادبیات کودک و نوجوان، ادبیات کودکان در روزگار نو، محمد هادی محمدی-زهره قایینی
سیر تحول ادبیات کودکان در ایران، توران میرهادی
عقاید و آراء، ترجمه کتاب برای کودکان و نوجوانان، اردشیر نیکپور
-کتابهای مرجع کتابخانه کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان



نقش جملات آغازین و پایانی در قصه‌گویی

ربابه هاشمی
کارشناس فرهنگی کانون مازندران



شروع می‌کند و با با کنجکاوای بیشتر مخاطب روبرو می‌شود.

در ادبیات غنی فارسی، قصه‌های مردم و افسانه‌های عامیانه در ایران جملات آغازین و پایانی متفاوتی وجود دارد که می‌تواند به عنوان دستمایه قصه‌گویان به کار گرفته شود.

نام و یاد خداوند، توصیف زمان، توصیف مکان، جملات امری، جملات سوالی، جملات دعایی، اشعار و توصیف حالت‌ها بسترهای این جملات می‌باشند که قصه‌گو می‌تواند بر اساس محتوای قصه و دیدگاه شخصی‌اش نسبت به آن و با توجه به گروه سنی مخاطب و زمان قصه‌گویی در آغاز و پایان قصه‌گویی می‌تواند از آن استفاده کند.

قصه‌گو همچنین می‌تواند با مطالعه بیشتر قصه‌ها و دقت در شروع و پایان آن، نمونه‌های زیبا و تازهای بیابد و خود نیز ابتکار عمل به خرج دهد و جملات جدید بسازد و آنها را وارد دنیای شیرین قصه‌ها بنماید.



قصه قدیمی‌ترین شکل ادبیات و زبان مشترک بین انسان هاست که با حروف متفاوت نوشته و روایت شده است. کلمات در قصه‌گویی ارزشمندترین دارایی یک قصه‌گو به شمار می‌آیند که با آن می‌توانند زمان را در ذهن شنونده متوقف کرده و خیال او را تا مکتلی دور دست پرواز دهند.

قصه یکی از مهم‌ترین و قدیمی‌ترین شیوه‌های انتقال فرهنگ به کودکان و نوجوانان است که به راحتی می‌تواند در بسیاری از مکان‌ها و زمان‌ها برای مخاطب اجرا شود.

قصه‌گویی به عنوان یک هنر شفاهی شناخته شده است که در ادبیات ملل و اقوام مختلف جایگاه برجسته‌ای دارد. تأثیر گذاری این هنر شفاهی به موارد مختلفی از جمله نوآوری و خلاقیت راوی و وابسته می‌باشد. خلاقیت‌های قصه‌گو در ابعاد متفاوتی ارائه می‌گردد و قصه‌گوی موفق می‌تواند بر اساس ضرورت از این ابعاد در کارش استفاده کند. نوآوری‌ها و خلاقیت‌های قصه‌گو باعث تقویت بیشتر مهارت شنیداری، صحیح خوانی، گسترش دایره واژگان، برانگیختن و تقویت احساسات و عواطف انسانی، تأثیر گذاری و عبرت آموزی از حوادث و شخصیت‌های قصه در مخاطب شده و علاقه به مطالعه را در او افزایش می‌دهد.

در اعصار مختلف راویان قصه‌ها، کلام خود را با ذوق خود و گنجینه‌ای از واژگان موجود در فرهنگ گفتاری و ادبیات عامه جامعه خویش می‌آراستند. نکته ظریف اما حساسی که در ساختار قصه وجود دارد و غالباً به آن بی‌توجهی می‌شود، جملات آغازین و پایانی قصه‌هاست. بیشتر قصه‌ها با جمله (یکی بود یکی نبود) آغاز و با (کلاغه به خنک‌تاش نرسید) تمام می‌شود. اما اگر قصه‌گو به خصوص مربیان، معلمان، گویندگان رادیو و راویانی که مخاطبشان ثبت هستند، هر بار در دو بخش آغاز و پایان قصه جملاتی متفاوت به کار گیرد، داستانش را جذابتر

گزارشی از کارگاه تند خوانی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان استان مازندران

مژده پاک سرشت

کارشناس نظارت و ارزیابی
کانون مازندران



سه روز تمام بعد از کار اداری و رسیدن به خانه، کارم شده بود زیر و رو کردن قفسه‌های کتابخانه، به دنبال جزوات تندخوانی بودم.

بالاخره از آنجایی که گفته‌اند: عاقبت جوینده یابنده بود. کتاب‌ها و جزوات و تست‌ها و شکل‌ها و الواح را گردآوری کرده نشستیم به مطالعه و نکته و یادداشت برداری و سرچ و تدوین و ساختن پاورپوینت. از آن طرف واحد آموزش بیکار ننشسته و پوستر کارگاه را تهیه و زمان کارگاه را چهارشنبه‌های هر هفته اعلام کرد.

حالا همه چیز فراهم شده بود برای پختن یک کیک خوشمزه با طعم جدید به نام کارگاه تندخوانی.

مواد لازم برای پختن کیک کارگاه مهارت تندخوانی، ساده و راحت بود.

بازی + لذت + مهارت آموزی = یک تابستان هیجان انگیز و به یاد ماندنی است. باید می‌رفتم در قالب مریبی ۲۹ سال پیش وقتی تازه به کانون پا گذاشته بودم. پر انرژی و خلاق. با تفاوت اینکه امروز اهداف کانون ملکه‌ی ذهنم شده و علاوه بر تجربه، بسیاری از امکانات را در اختیار داشتم. از خود پرسیدم واقعا برای آموختن یک مهارت به چه چیزهایی نیاز داریم؟ مهمترینش، حضور اعضای نوجوان علاقه‌مند. باقی موارد را نوجوان خود به خود به همراه دارد هیجان و بازی و خنده و تمرکز. برای تفریح هم که باشد نوشتیم: مواد لازم برای پختن کیک تندخوانی لطفا:

- ۱- خودتان را به‌همراه بیاورید
- ۲- یک فنجان علاقه
- ۳- یک فنجان و نصفی تمرکز

طی نامه‌ای؛ دفتر مرکزی کانون، مجوز برگزاری کارگاه تندخوانی صادر شده را به کانون‌های کشور ابلاغ کرد. نامه در دستور جلسه‌ی شورای فرهنگی، استان قرار گرفته و بررسی شد. سپس به واحد آموزش و پژوهش ارجاع خورده و مقرر شد فراخوانی تهیه و به کانون شهرستانها ارسال گردد. تا مراکز مدرسین تندخوانی را شناسایی و به آموزش معرفی کنند. چنانچه هر یک از اعضای شورا نیز، مدرسی را می‌شناسند به واحد آموزش معرفی کنند. گام بعدی، ارسال رزومه مدرسین بود...

بعد از جلسه شورای فرهنگی به کارشناس آموزش گفتم: راستش من سالها پیش دوره‌های تندخوانی رفتم. پیش چند استاد، شاگردی کردم. چند روش مختلف را تجربه کردم. حالا می‌توانم تلفیقی از روش‌های آموخته را در اختیار اعضا بگذارم.

رزومه‌ام را آماده و به واحد آموزش تحویل دادم. پس از دو هفته تاییدیه ستاد رسید. واحد آموزش جلسه‌ای برگزار کرد و مقرر شد: کارگاه مهارت تندخوانی در ۸ جلسه برای مراکز استان بصورت برخط (آن‌لان در گوگل میت) برگزار شود.



فصل زمستان

۴- یک فنجان هیجان

۵- اجاق بازی را گرم کنید

۶- خنده به مقدار خیلی زیاد

مدام با خودم تکرار می‌کردم. جای تشکر و قدر دانی دارد که یکی به فکر نوجوانان افتاده و می‌خواهد فعالیت‌های کانون را با نگاهی نو، بازنگری کند. تا بلکه از تکرار روش‌های کهنه‌رهایی یافته و برای زدودن گرد و غبار کهنگی دست بجنبانیم. به روز شدن یعنی خونی تازه دوییدن در رگ فعالیت‌های روتین کانون است. گزارش را در چهار فصل زیبای سال دیدم. پاورهایی برای ۸ جلسه تهیه کردم. ابتدا برای هر جلسه تصویر گرافیکی "بسم الله الرحمن الرحیم" ... و تصاویر گرافیکی کلمه "پایان" بهمراه کلی تصاویر انگیزشی تندخوانی از گوگل سرچ کردم.



- ۱- مطالب جلسه اول:
الف: آشنایی با تاریخچه تندخوانی
ب: نام گذاری تند خوانی
ج: چگونه تمرکز کنیم؟ تقویت تمرکز چیست؟
د: تمرین‌های مربوط به تقویت تمرکز
برای هر جلسه سوالات و تمریناتی در نظر گرفتم.
سوالات جلسه اول
۱- آیا به نظرتان، شما جزء افراد تندخوان هستید؟ (چرا؟)
۲- روزانه چند ساعت مطالعه می‌کنید؟ (لطفا زمان بگیرید و یادداشت کنید).
۳- در هر دقیقه چند کلمه می‌خوانید؟ (لطفا کلمات متن را بشمارید).
۴- هر دقیقه چند سطر می‌خوانید؟
۵- متنی را انتخاب کنید. آن را بخوانید. زمان بگیرید.
۶- دوباره همان متن را بخوانید و زمان را یادداشت کنید.

تمرین های جلسه اول

- ۱- یک دفترچه تهیه کنید. (پاسخ سوالهای اول تا سوم را در آن یادداشت کنید)
 - ۲- لطفاً از خودتان هنگام مطالعه، عکس بگیرید.
 - ۳- لطفاً از خودتان هنگام مطالعه، فیلم یک دقیقه‌ای بگیرید.
 - ۴- متنی را انتخاب کنید و آن را بخوانید.
 - ۵- لطفاً زمان خواندن متن را یادداشت کنید.
 - ۶- دوباره همان متن را بخوانید و زمان را یادداشت کنید.
 - ۷- لطفاً کلمات متن را بشمارید و در دفترچه یادداشت کنید.
- از جلسه دوم واکنش مربیان تسهیلگر و اعضا شروع شد. از مراکز خواسته شد لیست اعضا و کدملی آنها ارسال شود. بنا شد هر مرکز ۳ تا ۵ عضو را معرفی کنند. در برخی از مراکز تا ۱۰ عضو درخواست حضور داشتند. به علت یک جلسه در هفته برگزار شدن کارگاه، اعضای بعضی از مراکز از خانه ارتباط می‌گرفتند. این واکنش مرا به شوق آورد و باعث شد کار تهیه پاورپوینت‌ها را با جدیت بیشتری ادامه بدهم. مثلاً برای تمرین تمرکز از همکارانم برای تهیه تصاویر کمک گرفتم.

" ببینید بچه‌ها شما دارید app کارگاه تندخوانی کانون استان مازندران را بر روی حافظه‌تان نصب می‌کنید دوستان خوبم؛ آیا به من اجازه ورود به فکر و حافظه‌تان را می‌دهید تا سوالاتی از شما بپرسم؟ از انجایی که در گوگل میت میکروفن‌ها دست مخاطب است و به راحتی می‌توانند گفتگو کنند. همگی اجازه دادند.

گفتم: نه خیر، متوجه منظور من نشدید. بگذارید برایتان کمی بیشتر توضیح بدهم. یعنی من می‌توانم به همین سادگی و راحتی وارد حریم خصوصی شما شده همه‌ی عکس‌های خانوادگی شما را دیده و متن‌های خصوصی پیام‌هایتان را بخوانم؟

کمی مکث کردم. خواستم پاسخ بدهند. یکی گفت: تا این حد نه. دیگری گفت: نه. من فکر کردم فقط در حد یک کارگاه. و...

گفتم: خب، خب، کمی توقف کنید. لطفاً از این به بعد هر کسی خواست چنین مجوزی از شما بگیرد از او بخواهید محدوده را برای شما مشخص کند. همیشه برای خودتان یک چهار چوب مشخص کنید.

البته این را هم بگویم شما وقتی وارد کانون می‌شوید ما همانطور که مراقب کتاب خوانی شما هستیم، حواسمان به هوش و احساس و توانتان هم هست. اگر به کارگاه نقاشی یا سفال، پژوهش یا سرود و تئاتر هدایتتان می‌کنیم یعنی درباره شما تحقیق کردیم و برای ارتقاء اعتماد به نفس و تقویت ارتباط موثر شما برنامه‌ریزی کرده‌ایم. حالا با این آگاهی، اول فکر کنید دوم در گروهی که در بله تشکیل می‌دهیم عضو شوید و به من پاسخ بدهید تا طبق آن، جلسات بعدی کارگاه را محتوا سازی کنم. واکنش اعضا و خانواده‌ها در گروه و بخش خصوصی خیلی جالب و دیدنی است. این جلب مشارکت و همراهی نشانه‌ی اولیه اعتماد سازی مشتری، بود. حالا باید آجرهای بعدی بنا را آماده می‌کردم.

از جلسه دوم به بعد فیلم‌های مسابقات تندخوانی به همراه بازی و تشویق، مرا به ادامه کارگاه دل گرمتر کرد. گروه تند خوانی تشکیل شد و ۵۸ نفر عضو شدند.

پاسخ‌ها را دریافت کردم. واکنش والدین و مربی‌های کانون، که فیلم جلسات برگزار شده را درخواست



فصل بهار:

جلسه دوم:

به علت گرمای شدید و کم شدن ساعت کاری ادارات، دستور به لغو کارگاه صادر شد.

یاد دوران عضویتیم در کانون افتادم آقای محسنی روزهای یکشنبه از تهران شب با قطار حرکت می‌کرد تا صبح دوشنبه به خرمشهر برسد. او مربی تئاتر ما بود. ثلث اول امتحانات که از راه رسید، سه نفر بیشتر نبودیم. مربی مرکز ما گفت: آقای محسنی، هفته آینده زحمت نکشید بچه‌ها امتحان دارند... آقای محسنی گفتند: نفرمایید؛ حتی اگر یک نفر هم بیاید " من موظفم حاضر باشم. من به بچه‌ها قول دادم."

و من به بچه‌ها قول داده بودم. آن روز کولر را خاموش کردم تا از دستور سرپیچی نکرده باشم. جلسه را تمام و کمال برگزار کردم.

موضوع جلسه دوم:

الف: روش مدل برداری از افراد موفق در تند خوانی

ب: آموزش تندخوانی و افزایش تمرکز

ج: آیا افراد تندخوان نیروی جادویی دارند؟

د: واحد اندازه گیری مطالعه

ه: روش‌های تقویت حافظه

استفاده از تصاویر فانتزی و طراحی مسابقات کتابخانه‌ای از جمله سرگرمی‌های من شده بود. هر چه در چنته داشتم به کار بردم تا آموزش موثر، مهیج و لذت بخش شود.

برای طرح سوال و دریافت پاسخ جلسات آتی، مثلاً ساعت خواب و بیداری، چند لیوان مصرف آب و... باید از اعضا اجازه می‌گرفتم. چرا که وارد جزئیات می‌شدم. می‌خواستم احترام به حریم خصوصی را غیر مستقیم آموزش بدهم. مثال نصب کردن یک app را آوردم.

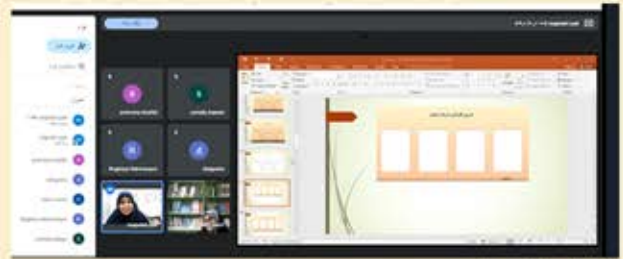
نحوه ی بیداری اعضا برایم خیلی مهم بود. برای ارتقاء سطح تند خوانی اعضا و همچنین برای مثالی که در پاورپوینت بعدی در این خصوص می آوردم. نمونه های واقعی زیسته ی اعضا را لازم داشتم)

۴- بعد از بیداری اولین کاری که می کنید چیست؟ (پاسخ اعضا مرا برای تهیه مطالب، مدیریت زمان و برنامه ریزی اعضا یاری می داد.)

طراحی بازیهای تقویت حافظه و تمرکز در مرکز (تا پایان جلسه سوم ۱۱ فیلم گزارش از مسابقه ی کتابخوانی در مرکز و ۷ فیلم بازی و مسابقه و لذت، برایم ارسال شد. علاوه بر آن در گروه تمرین ها و پیام های انگیزشی را به تناسب موضوع کارگاه ارسال کردم.

دو صفحه اول کتاب عاشقانه یونس در شکم ماهی را تایپ کردم. تعداد کلمات هر سطر را نوشتم. تعداد استاندارد هر سطر را علامت زدم. تصویر فانتزی دیگری از فرمول محاسبه را پیدا کرده بودم برایشان توضیح دادم. متن کتاب یک بازی تمرکز داشت. کشیدن یک مربع بدون نگاه کردن به دست، فقط با نگاه در آینه.

می کردند. خیلی حالم را بهتر کرد. به فکر ایجاد و به کارگیری خلاقیت های بیشتر اقدام



فصل تابستان

بچه ها عاشق فصل تابستان اند. با میوه های خوشمزه رنگی آبدار و عطرها و طعم های متنوع. کارگاه تندخوانی از جلسه سوم وارد فصل تابستان خود شد. در گروه بله سوالات و حضور مستمر نشان دهنده علاقه مندی اعضا به فعالیت به روز و جان بخش اند.

من هم کم کم داشتم به هدف اصلی خودم می رسیدم. تندخوانی غلاف هدفم بود. خود باوری برایم مهمتر از هر مهارت دیگر بود. اگر نوجوانان ما به خود باوری برسند. خود واقعیشان را بشناسند و دوست داشته باشند من مربی کارم را به بهترین وجه ممکن انجام داده ام.

جلسه سوم:

الف : مهارت یادگیری و خودشناسی

ب: آموزش تندخوانی

ج: تندخوانی، یادگیری، یادآوری

د: مغز، حافظه و تمرکز

تمرین و تکرار

استفاده از پیام های انگیزشی، تقویت مغز مثل تقویت تمام اعضای بدن، فواید تندخوانی و...

تمرین جلسه سوم

ستاره دریایی و شست، شست (انگشت شست دست)

سوالات جلسه سوم

۱- قرار بود درباره وضعیت خوابتون بنویسید؟ نوشتید؟ لطفا به مربی مرکز اطلاع بدهید. (برای سنجش بهبود خلق و خو و... لازم بود)

۲- شبها چه ساعتی می خوابید؟ نوشتید؟ لطفا این مورد را هم به مربی مرکز اطلاع بدهید.

۳- صبحها چه ساعتی بیدار می شوید؟ (ساعت و

ایستگاه های پرورش فکری

و کانون پرورش فکری جوانان استان مازندران که به کارگاه و برنامه های آموزشی و فرهنگی در زمینه های مختلف در سطح استان و شهرستان ها برگزار می کند. این کانون در زمینه های مختلف فرهنگی و آموزشی فعالیت می کند و به منظور ارتقاء سطح فرهنگی و آموزشی جوانان استان مازندران فعالیت می کند. (۱۳۹۱)

این کانون در زمینه های مختلف فرهنگی و آموزشی فعالیت می کند و به منظور ارتقاء سطح فرهنگی و آموزشی جوانان استان مازندران فعالیت می کند. (۱۳۹۱)

این کانون در زمینه های مختلف فرهنگی و آموزشی فعالیت می کند و به منظور ارتقاء سطح فرهنگی و آموزشی جوانان استان مازندران فعالیت می کند. (۱۳۹۱)

این کانون در زمینه های مختلف فرهنگی و آموزشی فعالیت می کند و به منظور ارتقاء سطح فرهنگی و آموزشی جوانان استان مازندران فعالیت می کند. (۱۳۹۱)

به علت پیام های مکرر اعضا و والدین و ملحق شدن اعضای جدید به کارگاه جلسه چهارم دو قسمت شد. ساعت ۱۰ تا ۱۱ مروری بر ۳ جلسه قبل از ساعت ۱۱ تا ۱۲ اختصاص به جلسه ۴ داشت.

ادامه فصل تابستان:

حالا میوه ها داشتند به ثمر می نشستند و بعضی ها را چیده و در سبد گذاشته و در حال استفاده بودیم. گروه مملو از پیام و در بخش خصوصی خانواده ها ارتباط مستمر داشتند. حتی ۷ ساله ها هم دوست داشتند شرکت کنند. برای آنها

و- چرخش چشم
ز- تقویت دید

ح- تمرین‌ها و سوالات مخصوص این حوزه
* طرح سوال یکی از نکات کلیدی بود که باید به اعضا آموزش می‌دادم. همیشه از خودتان بپرسید: چرا باید این کار را انجام بدهم. یا چرا نباید انجام بدهم. آیا این کار مرا به هدفم نزدیک یا دور می‌کند...

* مهارت با چشم مطالعه کردن بدون بلندخوانی، مهارتی است که در کتابخانه‌ها و مدارس کاربرد رایج و لازمی است. برای تقویت این مهارت و ایجاد فضای مناسب برای خود و دوستانمان علاوه بر افزایش آرامش، پالایش محیط از آلودگی صوتی را در برداشته و نیاز است که در کنار سایر مهارت‌ها آن را بیاموزیم.

تقویت حافظه و بازی‌ها را در نظر گرفته و در گروه به اشتراک می‌گذاشتم. تمرین یک بار با صدا یک بار با چشم و بی‌صدا برای بازی و تفریح طراحی کردم. خوشبختانه تمرین خوب جواب داد. غلاف دوم را هم پوست کندم. لذت بردن از هر کاری که در حال انجام دادن آن هستیم. اگر نوجوانان بدانند، هر مهارتی را که یاد می‌گیرند با چاشنی، لذت و تفریح و خنده باشد نه تنها آن را زود یاد می‌گیرند، بلکه هرگز فراموش نمی‌کنند شاید این بزرگترین رسالت سالها تجربه در کانون بود.

موضوع جلسه ۴

الف: فضا و محیط مطالعه (چرا جلسه اول از خودمان عکس و فیلم گرفتیم) طرز نشستن، فاصله کتاب تا چشم و نکات مهمی داشت که باید توضیح می‌دادم.

ب: خط بری - اصول و قواعد خط بری - جدول ثبت سرعت

ج: متن یونس در شکم ماهی

د: افزایش یا تقویت حوزه دید؟

ابتدا با اعضا یک قانون گذاشتیم. از این پس هر کلمه را که می‌شنویم. ابتدا باید معنی دقیق آن را بدانیم. معانی دیگر کلمه و به کارگیری آن کلمه در جاهای مشابه دیگر و شاید اصلا اصطلاح باشد.

مثلا: اکثرا می‌گویند افزایش حوزه دید. ابتدا باید آن را شناخت، تقویت کرد سپس به افزایش رساند... تصاویر فانتزی کمک خوبی بودند.

تقویت حس سپاسگزاری در نوجوانان برای داشتن حواس پنج‌گانه و حفظ حواس بینایی و شنوایی از آسیب‌های احتمالی مثل استفاده بیش از حد معمول از گوشی و تبلت و کامپیوتر و... نقش خوراکی‌ها و ویتامین‌ها در تقویت حوزه دید.

ارتباط بین خوب دیدن و پرسش‌گری

توضیح تمرین‌های تقویت حوزه دید و بازی‌های مخصوص تقویت و افزایش حوزه دید.

جلسه پنجم:

الف- طرح سوال. (از سوال تا رسیدن به هدف)

ب- بلند خوانی چیست؟

ج- چرا تند خوانی؟

د- تند خوانی با کیفیت و حافظه پایدار

ه- ورزش‌های مخصوص چشم

نیمه غربی	نیمه شرقی
کسرلی ۲۰۲۱۵۴۲۳۰۰	کسرلی ۴۸۳۰۲۹۲۸۰۵۷
سن ۱۳ سال	سن ۱۳ سال
دکلتا - ۵۵۳۳ کسرلی	دکلتا - ۵۵۳۳ کسرلی
ساعت خواب ۲۳:۳۰	ساعت خواب ۲۳:۳۰
ساعت بیداری ۸	ساعت بیداری ۸:۳۰
میزان مصرف کسرلی ۳ لیوان	میزان مصرف کسرلی ۳ لیوان
امیر سیارک	امیر سیارک
کسرلی ۵۴۷۱۵۷۹۷۱۱	کسرلی ۰۲۷۱۷۷۲۳۴۴۳
سن ۱۳ سال	سن ۱۱ سال
دکلتا - ۵۵۳۳ کسرلی	دکلتا - ۵۵۳۳ کسرلی
ساعت خواب ۲۲	ساعت خواب ۲۳:۳۰
ساعت بیداری ۸	ساعت بیداری ۹
میزان مصرف کسرلی ۳ لیوان	میزان مصرف کسرلی ۳ لیوان
سید حبیب‌الله	سید حبیب‌الله
کسرلی ۲۰۲۱۶۳۹۹۷۹	کسرلی ۰۲۷۱۷۷۲۳۴۴۳
سن ۹ سال	سن ۹ سال
دکلتا - ۵۵۳۳ کسرلی	دکلتا - ۵۵۳۳ کسرلی
ساعت خواب ۲۳	ساعت خواب ۲۳:۳۰
ساعت بیداری ۹	ساعت بیداری ۹
میزان مصرف کسرلی ۳ لیوان	میزان مصرف کسرلی ۳ لیوان

کارگاه تندخوانی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان استان مازندران - تابستان ۱۴۰۴

شماره تمرین	سرعت اولیه	سرعت پایانی	تعداد تمرین	سرعت اولیه	سرعت پایانی
۱- یاد خوبی	۱۱۰ کلمه	۲۸ کلمه	۸ تمرین	۱۱۰ کلمه	۱۱۰ کلمه
۲- یاد خوبی	۱۱ کلمه	۱۱ کلمه	۶ تمرین	۱۱۰ کلمه	۱۱۰ کلمه
۳- یاد خوبی	۲۲ کلمه	۲۲ کلمه	۷ تمرین	۱۱۰ کلمه	۱۱۰ کلمه
۴- یاد خوبی	۱۱ کلمه	۱۱ کلمه	۸ تمرین	۱۱۰ کلمه	۱۱۰ کلمه
۵- محضرتا	۲۱ کلمه	۲۱ کلمه		۱۱۰ کلمه	۱۱۰ کلمه
۱۰- محضرتا	۳۵ کلمه	۱۰ کلمه		۱۱۰ کلمه	۱۰ کلمه

فصل خوشه‌چینی کارگاه

جلسه ششم

الف: شناسایی مهمترین عوامل کندخوانی

ب: خط‌بری، تمرین‌های پایه

ج: نکات تمرینی

د: درک مطلب

ه: روش‌های افزایش کیفیت مطالعه

*خیلی‌ها فکر می‌کنند تندخوانی روش درستی برای مطالعه نیست. در حالی که در کشورهای آمریکا و ژاپن این روش در حال تدریس است. سالانه مسابقات تندخوانی در کشورهای مختلف برگزار و برندگان این مسابقات معرفی می‌شوند. خرسندی من از اخبار اعضا نیرو محرکه‌ای بود که کارگاه را پیش می‌برد. وقتی فرم‌های ثبت سرعت اعضا را می‌دیدم ذوق می‌کردم. من داشتم کم‌کم به هدف می‌رسیدم.

جلسه هفتم

الف- یادگیری و برنامه ریزی

ب- چرا در جلسه اول به داشتن دفترچه یادداشت تاکید کردیم؟

ج- اولویت بندی هدفها

د-نگاهی به زندگی موفق افراد موفق و الگو برداری از آنها

ه- نقش آب در سلامت و بهداشت روان

و- تکنیک زود خوابیدن و زود بیدار شدن

برای آموزش به موقع خوابیدن و به موقع بیدار شدن. تمرین ساده‌ای هست که ای کاش می‌شد به والدین یاد داد.

یاد شعر حسین پناهی افتادم:

ساعت چهار صبح است

من شام می‌خورم

و پدرم صبحانه...!

عجب فاصله ای است میان دو نسل...

اسلایدهایی درباره آب و خواب تهیه کردم. برای ورود به مقوله‌ی آرامش، این موضوع گم‌شده‌ی نسل کنونی که می‌تواند با آب و خواب کافی درمان یابد. چه راه‌ها که نرفته‌ایم و به بن بست رسیده‌ایم اما حاضر نیستیم به موقع سر به بالشت گذاشته و تمرین زود خوابیدن را شروع کنیم. در مورد آب و خواب کلی با هم گفتگو کردیم.

جلسه هشتم

فصل پاییز

پاییز جلسات ما از راه رسید. جلسه هشتم درست با آخرین چهارشنبه تابستان رقم خورد. شاید یکی از ناراحت‌ترین بخش هر سلام یک خداحافظی باشد. این هشت جلسه پل قشنگی بین من و دوستان جدیدم بود. حس خوب سرزندگی، ایجاد دوستی بر پایه آگاهی، کیمیای هستی. آنچه بشر مدام در جستجوی آن است و هر بار به گمان یافتن آن لحظاتی را دلخوش می‌کند و ناگهان سر و کله یک سوال سخت و پیچیده‌تر پیدا می‌شود و راه و مسیر در برابر ذهن گسترده می‌گردد که کفش‌هایت را پا کن راه دراز است.

بخش آموزش نوید کارگاه تخصصی تندخوانی را برای فصل پاییز داده است. از خویش می‌پرسم آیا دوباره بخت یارم می‌شود تا فارغ از ازدحام انبوه کارهای اداری، فرصت تهیه منابع به روز و طراحی بازیهای کتابخانه‌ای و تمرین‌های تقویت حافظه و روش‌های تندخوانی، برایم فراهم می‌گردد؟ نمی‌دانم.

اما در این هشت جلسه، ما چه گفتیم؟ ما هیچ ما نگاه.

۱-مروری بر کلیه جلسات هفتگانه.

۲-مدیریت زمان

۳-نقش، هدف در زندگی

پاسخگویی به سوالات اعضا، درخواست اعضا به ادامه فعالیت.

اعلام دریافت فیلم و رکورد گیری تند خوانی (۴۸ فیلم ارسالی و ۳۵ عکس)

اعلام دریافت فرم‌های جدول ثبت سرعت

توضیح مجدد روش مقایسه ثبت سرعت مطالعه بر اساس فرمول

ادامه فعالیت گروه در شبکه اجتماعی " بله " .

در این چهار فصل کیک‌های خوشمزه با طعم و رنگ‌ها و اشکال متنوع پختیم و سرو کردیم. در قالب کارگاه تند خوانی سعی کردم بسیاری نکات لازم را بگویم. " تا چه قبول افتد و در چه در نظر آید."

گروه پژوهش :

مہشید اسماعیلی ۱۴ ساله
ماندہ برندہ ۱۴ ساله
فاختہ فرج مشایی ۱۲ ساله
مربی، راهنما :
سعید عشوریان

بررسی روش زندگی

ماهی قزل آلا (سردابی) و ماهی سفید (گرم آبی)

کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان کتالم و سادات شهر



عنوان بررسی روش زندگی ماهی قزل آلا و ماهی سفید با توجه به این که در نوع تغذیه ما انسانها نقش به سزایی دارد. گروه ما با طرح سوالات مربوطه به دنبال کشف و پیدا کردن پاسخ آن با بیان هدف و با تحقیق مطالعاتی و میدانی با مصاحبه و عکس برداری و فیش برداری از مطالعات کتاب های در دسترس و مراجعه به سایت های معتبر روش زندگی و تکثیر این دو ماهی را بررسی و به نتایج مطلوب دست پیدا کردیم.

ماهی قزل آلا فقط در رودخانه های آب شیرین می تواند زندگی و تکثیر شود هر چند اگر در رودخانه زندگی کند و با توجه به سن و تجربه کافی می تواند پا به دریا بگذارد و در واقع همان ماهی آزاد باشد . ماهی سفید هم در دریا سازگار و فقط برای تخم ریزی به مصب رودخانه و دریا می آید و بعد از تخم ریزی به دریا برمی گردد. البته هر دو ماهی با روش مصنوعی قابل تکثیر می باشند . و بهترین نوع تکثیر هم تکثیر طبیعی می باشد. ارزش غذایی این گونه از ماهیان بسیار زیاد و سرشار از انواع ویتامین ها می باشند . گروه ما در پایان به حفظ و بهداشت محیط زیست تاکید و حراست از این نعمت خدادادی را از همه مردم و اداره شیلات و محیط زیست کشور خواستار شد.

بیان مسئله:

استفاده از گوشت ماهی ها توسط انسان ها از گذشته تاکنون از وعده های لذت بخش و مفید است و طبق نظر پزشکان تغذیه دارای بیشترین میزان کالری از بین همه غذاها در جهان می باشد . فکر گروه ما این است که ماهی قزل آلا خوشمزه است و همچنین خانواده ها به ویژه در شهر کتالم در فصل زمستان به استفاده کردن از ماهی سفید علاقه مند هستند .

ماهی قزل آلا از معروف ترین و دسترس ترین ماهی های آبهای شیرین و پر فروش ترین ماهی ها ماهی قزل آلا رنگین کمان است . ماهی های قزل آلا و سفید از اواخر اسفندماه به همراه گرم شدن آب و هوا تخم ریزی می کنند ماهی قزل آلا از نوع ماهی های سرد آبی است و در زیر گروه ماهی های آزاد جای می گیرد . ماهی سفید هم در ب های صاف و تمیز دریا زندگی می کند . حال جای این سوال باقی می ماند .

سوال اصلی:

- آیا ماهی سفید و ماهی قزل آلامی توانند در آب های شور و شیرین زندگی کنند؟
 - تا چه قدر گوشت ماهی قزل آلا و ماهی سفید در تغذیه انسان ها نقش دارد
- سوالات فرعی:
- آیا ماهی سفید می تواند در آب های شیرین رودخانه ها زندگی کند؟
 - آیا ماهی قزل آلامی تواند در آب شور دریا زندگی کند؟
 - غذای ماهی سفید در دریا چیست؟
 - ماهی سفید چگونه تولید مثل می کند؟
 - غذای ماهی قزل آلا چیست؟
 - ماهی قزل آلا چگونه تولید مثل می کند؟
 - کیفیت گوشت ماهی سفید نسبت به ماهی قزل آلا چگونه است؟

بیان فرضیه :

حدس ما براین است که ماهی سردابی (قزل آلا) و ماهی گرم آبی (ماهی سفید) می توانند در آب سرد و گرم با هم زندگی کنند .
با توجه به خرید مواد غذایی توسط مردم میتوان حدس زد که ماهی قزال آلا و ماهی سفید مصرف غذایی مردم می باشد.

ضرورت تحقیق و بیان هدف:

به طور کلی در زمان گذشته زندگی انسان ها وابسته به طبیعت بوده و غذای خود را از دل طبیعت تامین می کرد. با گسترش جمعیت و پیشرفت تکنولوژی و صنایع و فراوری بسیار زیادی از محضولات کشاورزی و دامی و دریایی انسان به تنوع غذایی دست پیدا کرد. در این میان یکی از غذا های اصلی و پر کالری و ویتامین دارو در مانی ماهی ها هستند که این دو دسته ماهی قزال آلا و ماهی سفید از مصرف و اهمیت ویژه ای برخوردار هست . از این رو برانیم هم با روش زندگی ماهی ها با مطالع و تحقیق بیشتر آشنا و اهمیت غذایی آن را برای خوانندگان تحقیق مان مشخص کنیم .

بیان هدف :

شناخت صحیح و علمی نسبت به محل زندگی و مصرف غذایی ماهیان سرد آبی و گرم آبی.

ادبیات تحقیق:

ماهی قزل آلا

در بوم شناسی (اکولوژی) اغلب ماهیان ایران ناشناخته باقی مانده است برخی گونه ها تحمل زندگی در آب شور را ندارند. پراکنش این گونه وابسته به وجود یک راه ارتباطی با دریا نیست و به هر حال برخی از رودخانه های جنوبی ایران بسیار شور هستند و برخی از آنها نیز دارای مقادیر زیادی مواد معدنی اند اما با این حال گونه هایی از ماهیان ایران را در خود جای داده اند مانند خانواده کپور ماهیان و سگ ماهیان جویباری که به عنوان ماهیان آب شیرین شناخته میشوند. دریای خزر لب شور است و شوری آن غیر از دهانه رودخانه ها حدود یک سوم شوری آب دریا می باشد .

دو نمونه از این گونه ماهی ها کپور معمولی و ماهی قزل آلا رنگین کمان می باشد. ماهیان آب های شیرین در جغرافیا جانوری ارزش بی نظیری دارند. در حقیقت ماهیان آب شیرین به ویژه ماهی قزل آلا ی خال قرمز به علت موانع جغرافیایی که آنها را فرا گرفته نمیتوانند از آب دریا استفاده کنند. یکی از مهمترین اولویتها در پرورش ماهی قزل آلا نوع و میزان تغذیه آنهاست. چون بیشترین تاثیر را در رشد و پرورش آنها دارد. ماهیان قزل آلا در شرایط طبیعی از موادی همانند ماهیان ریز حشرات ابزی. لارو حشرات ابزی. حشرات پروازی سطح آب کرهها سخت پوستان تغذیه می کنند. خیلی از ماهیان در آب شیرین ساکن و بعضی ها مهاجر هستند. از ماهیان و از جمله ماهیان قزل آلا رنگین کمان قدرت فوق العاده ای در به خاطر سپردن محیط آب ها محل متولد شدن خود دارند. بچه ماهی قزل آلا می تواند در تمام طول سال در مزرعه رها سازی و برای جمع آوری ماهیان معمولا قلاب انواع تور های ماهیگیری معمولا استفاده می شود. از ویژگی های ماهی قزل آلا دارای باله چربی، دندان ها و آرواره های بالا و پایین قرار دارد همچنین خال های سیاه رنگ ستاره شکل در تمام سطح بدن به همراه چندین خال قرمز در آن دیده می شود. در واقع دو نوار قوس قزح (رنگین کمان) در دوطرف بدن آنها کشیده شده است. نوع دیگر ماهی قزل امریکایی است که در باله پشتی و مخرجی دارای خال های رنگی اند. رنگ بدن آن نقره ای و در پهلو های آن خال های ستاره ای دیده می شود و در باله پشتی و مخرجی دارای خال های رنگی اند .

این ماهی جزو ماهیان سرد آبی و گوشتخوار است. ماهی قزل آلا ی رنگین کمان مهمترین گونه آزاد پرورشی در آب شیرین است.

در اواخر فصل زمستان و تا اواخر اردیبهشت تخم ریزی ماهی قزل آلا در قسمت بالای رود خانه ها بادمای آب ۵-۱۳ درجه سانتی گراد انجام می شود.

این گونه از ماهیها در قسمت های غربی دریای خزر و آب های سرد را ترجیح می دهند. برای جمع آوری ماهیان معمولا از قلاب انواع تورهای ماهیگیری استفاده می شود. و برای تولید مثل اغلب در پاییز به رود خانه هایی چون گرگانرود، سردآبرود، چشمه کیله تنکابن و چالوس مهاجرت می کنند. البته این ماهی چهل سال پیش به سرچشمه د کارون پیوند زده شده است. و در حال حاضر گران ترین ماهی ایران است. ماهی قزل آلا ی رنگین کمان مهمترین گونه آزاد پرورشی در آب شیرین است.



ویژگی های ماهی قزل آلا

ایران به عنوان بزرگ ترین تولید کننده قزل آلا در آب های داخلی (آب شیرین) به شمار می رود. با توجه به این که ماهی قزل آلا شرایط ایده ال پرورشی مانند آب های با کیفیت بالا، سرشار از اکسیژن، عاری از هر گونه سم و فلزات سنگین، روشن و زلال و سالم را می طلبد گوشتی بسیار لذیذ، سالم، دل چسب و با کیفیت دارد.

ماهی قزل آلا دارای مواد غنی از اسید چرب امگا ۳ و امگا ۶ است می تواند در کاهش بیماری های قلبی، افسردگی، اضطراب، سرطان پروستات، سرطان روده بزرگ و... سرشار از پتاسیم که به حفظ تعادل مایعات در بدن که به سلامت عصب و انقباض عضلات کمک می کنند. غنی از فسفر که به عملکرد درست دستگاه گوارش و به هضم صحیح و درست مواد غذایی کمک می کند. و به تعمیر بافت های بدن کمک می کنند.

منبع خوب سلنیوم که برای عملکرد طبیعی مغز و اعصاب سیستم دفاعی و تولید مثل سالم در خانم ها و آقایان است. با داشتن ویتامین B برای تقویت ایمنی بدن و تنظیم فشار خون و تقویت سلامت استخوان ها کمک می کند. و با داشتن ویتامین می تواند تاثیر خوبی در سوخت و ساز بدن داشته باشد.

ماهی سفید



ماهی های سفید در زیر گروه های کوچک در آب های عمیق به سر می برند. به دلیل صید بی رویه و الودگی دریای خزر و رودخانه های اطراف نسل ماهی سفید رو به کاهش است. ماهی سفید از پایان بهار تا آغاز پاییز تخم ریزی می کند. همچنین ماهی سفید یکی از انواع ماهی های آب های لب شور شمال ایران است که در دریای خزر و رودخانه های استان گیلان و مازندران است.

ماهی سفید جنوب تفاوت زیادی با نوع دریای شمال آن دارد. می توان گفت که ماهی جنوب تا ۱۵-۲۵ سانتی متر طول دارد و یکی از خوشمزه ترین غذا های جنوبی به حساب می آید. گوشت این ماهی به رنگ سفید است و تفاوت عمده ای با ماهی سفید شمال دارد و دارای یک استخوان ستون فقرات می باشد.



ماهی سفید سرشار از فسفر و کلسیم ب ۲، ب ۶، ب ۱۲ و کسانی که در معرض شدید استرس هستند مصرف این ماهی توصیه می شوند. این ماهی دارای نیاسین که به تقویت خلق و خو نیز کمک بسیاری می کند. دارای الکتارنتین است که باعث چربی سوزی بدن انسان می شود.

عمر ماهی سفید تا ۱۲ سال است. این ماهی ها لابه لای گیاهان و سنگ ها تخم گذاری کرده و پس از ۱۰ روز نوزادان متولد میشوند. نوزادان پس از ۳ تا ۵ سال بالغ میشوند. برای شناسایی ماهی سفید نرمیتوان به خال های سفیدی که بر روی سر ماهی نر وجود دارد ولی بر ماهی ماده وجود ندارد اشاره کرد. غذای ماهی سفید فیتو پلانکتون ها و جلبک ها و لارو ها و حشرات و آبزیان و بیشترین غذای آبزیان در دوران بلوغ صدف ها و نرمتنان است. صید انبوه ماهیان مولد در رودخانه ها به هنگام آمادگی برای تخم ریزی یکی از عوامل مهم و اصلی کاهش ذخایر ماهی سفید است. بیشترین تراکم ذخایر و صید ماهی در حوزه سواحل دریای خزر می باشد. ماهی سفید در طول سال و نسبت به فصول و دمای آب با تغییراتی توأم بوده بطوری که در اوایل فصل زمستان به دلیل برودت بیشتر آب سواحل استان گیلان نسبت به سواحل مازندران ماهی سفید تا حدودی مهاجرت بیشتری به سمت مناطق گرمتر این استان و جا های عمیق دریا و از سواحل دورتر می شود. ولی بانزدیک تر شدن فصل بهار و آمادگی برای تخم ریزی از اسفند ماه هر سال به ساحل دریا و در فروردین ماه برای تخم ریزی به رودخانه ها می آیند. خواص این گونه ماهی شامل عضله سازی جلوگیری پوکی استخوان و کمک به اعصابی متعادل و... میباشد. این ماهی اندازه متوسطی دارد و ماهی بالغ معمولاً ۴۵ تا ۵۵ سانتی متر و به ندرت تا ۷۰ سانتی متر طول دارد. وزن این گونه ماهی تا ۴ کیلوگرم و در برخی موارد خواص تا ۵ کیلو گرم نیز مشاهده شده ماهیان سرد آبی در رودخانه هستند.

مراحل تکثیر مصنوعی - تکثیر قزل آلا و ماهی سفید



- ۱- ابتدا برای انجام عملیات تکثیر باید مولدین نر و ماده ۴۸ ساعت قبل از تکثیر قطع غذا شوند.
- ۲- در مرحله دوم مولدین باید به آرامی و با دقت فراوان به سالن تکثیر منتقل شوند.
- ۳- ابتدا در یک وان آب ریخته سپس مقداری داروی بیهوش کننده از جمله یا پودر گل میخک با میزان دز مشخص در وان میریزیم سپس چند عدد ماهی مولد ماده را در داخل وان قرار میدهم تا بیهوش شوند.
- ۴- سپس مولد های ماده را یکی یکی از وان بیرون آورده و بدن آن ها را به آرامی با حوله خشک می کنیم.

۵- سپس یک تشت خشک در زیر بدن مولد قرار می دهیم سپس سر ماهی را بالا گرفته و با دست چپ ساقه ی دمی ماهی را میگیریم آن گاه با دست راست به آرامی و با دقت از زیر باله ی سینه ای به سمت مخرج فشار می دهیم تا تخم ها از آن خارج شود.

۶- سپس برای انجام عملیات اسپرم کشی باید چند عدد مولد نر را در داخل وان قرار دهیم تا بیهوش شوند.

۷- همانند عمل تخم کشی عمل اسپرم کشی را از مولدین نر انجام می دهیم.

۸- برای انجام عملیات لقاح به نسبت ۲ مولد ماده از یک مولد نر استفاده می شود.

۹- تخم ها در تشت به هیچ وجه نباید در معرض آب قرار گیرند.

۱۰- در مرحله بعد اسپرم ماهیان نر را بر روی تخم های واقع در تشت میریزیم.

۱۱- با استفاده از پر بوقلمون یا دست یا یک قاشق پلاستیکی با دقت و آرامی تخمکها و اسپرمها را تا چند دقیقه مخلوط می کنیم .

۱۲- بعد از چند دقیقه که اطمینان پیدا کردیم عمل لقاح انجام شده مقداری آب به ظرف حاوی تخم ها اضافه می کنیم و آن ها را شستشو می دهیم که با چند بار شستشو و تخلیه آب مواد زاید و لخته های خون از طرف خارج می شوند .

۱۳- در مرحله بعد از شستشو ۲ یا ۳ برابر حجم تخم ها در ظرف آب می ریزیم تا تخم ها آب جذب کنند و چسبندگی خود را از دست بدهند .

۱۴- پس از گذشت ۲ ساعت تخم ها سفت خواهند شد از این زمان تا حدود ۴۸ ساعت بعد که آغاز مراحل تکامل جنینی است تخم ها نسبت به شوک ها و تکان های محیطی مقاوم شده، که در این مرحله باید تخم ها را به سالن انکوباسیون منتقل کنیم و آنها را در داخل ترفا ها قرار دهیم .

۱۵- آب بایستی به طور آرام و به میزان مورد نیاز به صورت همیشگی در داخل ترفا ها جریان داشته باشد.

۱۶- سپس سر تخم های واقع در ترفا را با مقوا پوشانده تا از رسیدن نور به تخم ها جلوگیری شود.

۱۷- پس از قرار گرفتن تخم ها در داخل انکوباتور بایستی برای از بین بردن قارچ ها، تخم ها باید یک روز در میان با محلول مالاشیت گرین با غلظت ۱۲ گرم در لیتر آب برای مدتی کوتاه شستشو داده شوند.

بعد از این که تخم ها تبدیل به بچه ماهی شدند آنها را در حوضچه های کوچک میریزند تا برای مدتی رشد و تحت کنترل کارشناسان باشند. بعد از آن ماهی ها را از حوضچه ها وارد تانکر هایی برای حمل به رودخانه ها می کنند. البته در ارتباط با تکثیر ماهی سفید نیز به همین روش عمل می شود. کارشناسان می گویند که با این روش تکثیر سایز ماهی سفید نسبت به ماهی سفید در دریا کوچکتر باقی می ماند.

با توجه به تحقیقات گروه ما از اداره شیلات نظر کارشناسان روش بهتر و آسانتری را با حفر دو عدد چاه در کناره رودخانه ها و صید ماهی قزل و سفید از رودخانه و ریختن در چاه عمل لقاح و تکثیر در آن صورت می گیرد و تا بچه ماهی ها کمی بزرگتر شدند آنها را به رودخانه می ریزند. این روش طبیعی تر و به نسل و اصالت ماهی ها کمک می کند.



روش تحقیق:

روش کار ما به صورت کیفی و میدانی بوده است. ابتدا با توجه به جستجو در کتابخانه کانون پرورش فکری و کتابخانه های عمومی شهر کتاب مورد نظر در ارتباط با ماهیان سرد آبی و گرم آبی را پیدا کردیم و به اتفاق اعضای گروه مطالب خاص مربوط به ماهی قزل آلا و ماهی سفید را فیش برداری و با کمک مربی پژوهش کانون با توجه به آیتم های پایان نامه دانشگاهی به صورت مختصر و مفید به تایپ مطالب فیش ها پرداختیم.

در مرحله بعد به تحقیق میدانی پرداختیم که با استفاده از عکسبرداری و مصاحبه به تهیه گزارش از ماهیگیران با تجربه منطقه ساحلی شهر کتابم در ارتباط با این دو ماهی را ثبت و به مربی مربوطه جهت کامل کردن تحقیق مان ارایه دادیم.

ناگفته نماند با توجه به کمبود کتاب های مورد نیاز به ناچار از سایت های مختلف نیز استفاده کردیم که در منابع از آن یاد شده است.

تجزیه و تحلیل:

گروه ما در این کار پژوهشی با توجه به مطالعه از کتاب و مصاحبه با ماهیگیران و کارشناس اداره شیلات منطقه در ارتباط با زندگی و اهمیت دو گونه ماهی سفید و قزل آلا با توجه به تامین مواد غذایی در اکثر استان های ایران و داشتن میزان کالری و ویتامین های موجود در ماهیان به بررسی شیوه تکثیر دو گونه ماهی به صورت طبیعی و مصنوعی به نتیجه ای مطلوب و به ارایه دو راه کار پرداخت. که مفصلا در نتیجه گیری و پیشنهاد متذکر می شویم.

نتیجه گیری:

ماهی قزل آلا در آب های شیرین رودخانه ها و همچنین در استخرها پرورش ماهی در مجاورت رودخانه ها و چشمه ها به راحتی رشد و زندگی می کنند. ماهی سفید در آب های نیمه شور دریا و عمیق به راحتی رشد می کند. فقط در زمان تخم ریزی به رودخانه ها می آید. محل اصلی زندگی او دریاست.

پیشنهادات:

۱- با توجه به حفظ محیط زیست و اهمیت غذایی ماهی قزل و سفید و سایر موجودات در آب رعایت بهداشت رودخانه ها و دریا از طرف خانواده ها و کارگاههای صنعتی و تعمیراتی ماشین رعایت گردشگران در کنار رودخانه و دریا بسیار مهم است.

۲- از آنجایی که یکی از غذاهای مردم کشور مان ماهی است. پرورش ماهی سفید در استخرها خیلی کمتر است. لذا بایستی امکانات لازم جهت پرورش این گونه ماهی ها هم فراهم شود تا در دریا کمتر صید شود و نسل آن منقرض نشود.

۳- حفظ و مراقبت دوچندان این دو گونه ماهی توسط اداره شیلات و محیط زیست هم می تواند در زیاد شدن نسل این ماهی ها تاثیر گذار باشد.

منابع:

- اصول تکثیر ماهی قزل آلا. مولفین محمد علی سیف و دانش سیف. انتشارات شیل ۱۳۹۶
راهنمای میدانی ماهیان آب های داخلی ایران. اصغر عبدلی. نوبت چاپ اول. تابستان ۱۳۹۸
www-asan-mahi.com
www-zedbazar.com/salmin-۴/۲-
www-https//famwikipediaior 9



جعفر ولیپور

مربی فرهنگی مرکز فرهنگی هنری نوشهر

بررسی تاثیر جامعه شناختی معماری منظر

در نماهای روستاهای شمال ایران

معرفی سرزمین - بارویکرد ویژگی های سرزمینی

(مطالعه موردی؛ معماری پایدار در مازندران،
روستاهای الیت و دلیر شهرستان چالوس)

چکیده

منطقه شمال ایران، همواره منطقه‌ای با آب و هوای معتدل و مرطوب شناخته شده است، اما مسئله مهم وجود برخی نقاط در این منطقه با آب و هوای متفاوت است. از آنجا که اقلیم در روند شکل‌گیری فرهنگ و معماری تاثیر مستقیمی دارد، لذا وجود آب و هوای سرد و کوهستانی در منطقه سبب شکل‌گیری معماری متفاوت با سایر نقاط شمال کشور با آب و هوای معتدل و مرطوب شده است. از سوی دیگر، معماری منظر، بر پایه طبیعت‌گرایی، مخاطب محوری، عملکرد‌گرایی مبتنی بر طراحی بیرونی با تلفیقی از خاطرات، نیازها و زیبایی‌شناسی مشترک مردم، فضای بیرونی روستا را طراحی و هدایت می‌کند که متأسفانه در پروژه‌های سیما و منظر روستایی، عدم تخصص و بی‌توجهی به اصول و تکنیک‌های مربوط به سیما و منظر، سبب تکرار، تشابه و التقاط ناموفق سبک‌های خارجی و داخلی و گاه نابودی عناصر و بافت‌های ارزشمند تاریخی شده است. در این میان بررسی معماری منطقه می‌تواند به بخشی از این موارد پاسخگو دهد. در این میان، سازه‌های بومی سازه‌هایی که با توجه به اقلیم و مصالح موجود در منطقه‌ای خاص استفاده شده است و جزئیات متفاوتی در اجرا دارد که مختص همان منطقه است سازه بومی محسوب می‌شود.

واژه‌های کلیدی

معماری ، معماری پایدار ، معماری الیت و دلیر ، معماری منظر

مقدمه و بیان مساله

ایران کشوری پهناور با مناطق مختلف آب و هوایی، دارای شیوه طراحی معماری سنتی است به نحوی که بر مشکلات محیط زیستی در معماری فایق آمده و دارای ویژگی‌های خاصی برای طراحی معماری روستایی در هر منطقه است. این ویژگی‌ها، آسایش انسان و صرفه‌جویی در انرژی طبیعی را به همراه دارد. معماری روستایی ایران، دارای فرم‌های بی‌آرایش و ساده‌ای هستند که معماری بومی در محیط‌های طبیعی و فطری شکل گرفته است. روش‌های طراحی سنتی در معماری ایران، برای معماران سنتی ایرانی، استفاده از انتقال حرارتی و تبخیر در طراحی، باد و آب، نقش مهمی ایفا می‌کند.

معماری بومی در ایران بیش از ۶۰۰۰ سال تاریخ پیوسته دارد. (حائری، ۱۳۸۸) این معماری نه تنها فراتر از مرز جغرافیایی ایران امروزی نمودی بارز دارد بلکه از نظر تنوع، پهنه وسیعی را در برمی گیرد. ظرفیت‌های ویژه موجود همچون منابع آبی (رودخانه‌ها و چشمه سارهای متعدد)، جنگل و مراتع حاصلخیز، موجب شده تا منطقه الیت و دلیر در غرب مازندران همواره از دیرباز مورد توجه جوامع انسانی قرار گیرد. وجود پناهگاه‌ها، غارها، تپه‌ها و محوطه‌های متعدد باستانی از ادوار مختلف در این منطقه شواهدی آشکار بر این مدعی است. از سوی دیگر، با شتاب فزاینده ایجاد شده در روند توسعه، بویژه گسترش بافت‌ها و فضاهای شهری در محیط‌های روستایی، محوطه‌های باستانی و ساختار طبیعی منطقه بطور جدی در معرض تهدید و تخریب قرار دارند.

در سواحل جنوبی دریای خزر به خصوص استان مازندران، میزان بارندگی مهم‌ترین عنصر در طراحی معماری سقف است. سقف‌ها معمولاً به نحوی با شیب خاصی برای کنترل بارش باران طراحی شده و مصالحی که برای بام و ساختمان استفاده شده، معمولاً طبیعی هستند و شیروانی‌ها از گیاه نی یا گالی ساخته شده‌اند. همچنین در این منطقه به دلیل رطوبت و نیاز به تهویه طبیعی از ایوان استفاده شده است. یکی دیگر از مصالح کاربردی برای ساخت خانه در معماری روستایی استفاده از خشت یا چینه گلی است که قطعاً چنین مصالحی به وفور در دسترس می‌باشد و خاصیت ویژه خشت از نظر رفتار حرارتی دلیل دیگر آن است. مصالح چوبی در انواع مختلف و به ویژه چوب درختان می‌باشد که ویژگی‌های فنی آن از قبیل سبکی، سهولت دسترسی، کارپذیری، مقاومت در برابر کشش و خمش و پیمون‌وار بودن (مدولار) است. در مجموع، چوب و گل مناسب برای ساخت وساز خانه‌های "چینه‌ای چوبی" در استان مازندران متداول بود. (ولی پور، ۱۳۸۷)

توجه در روند شکل‌گیری سکونتگاه‌های روستایی در گذشته یک روند ارگانیک در ایجاد سکونتگاه‌ها وجود داشته است. معماری سنتی منبع غنی است که پتانسیل قابل توجهی به ما در فهم و طراحی و ساخت پایدار دارد. ساختمان‌های بومی از مصالح محلی در دسترس ساخته شده‌اند و به طبیعت احترام می‌گذارند. از آنجا که معماری پایدار نیز زندگی در طبیعت و با طبیعت است تا حدی بر اصول معماری بومی منطبق است. مخصوصاً در خانه‌های سنتی روستایی شمال کشور، که ظاهری متفاوت از دیگر نقاط دارد، اقتباس ساده از طبیعت و جغرافیای منطقه نمایان بوده و پاسخگوی نیازهای اساسی مردمانی است که فعالیت‌های اقتصادی و فرهنگ زیستی آنان متفاوت با دیگر نقاط ایران می‌باشد. اما در دهه‌های اخیر توسعه، ایجاد مسکن روستایی، فاقد رویکرد پایداری است، زیرا سازه‌های معماری به دلیل عدم توجه به محیط، پتانسیل‌های موجود و مولفه‌های معماری پایدار، ناتوان از پاسخگویی مطلوب مردمان جامعه است. با نگاه و مقایسه معماری گذشته و کنونی روستاهای شمال ایران، راهبردهایی برای بهبود وضعیت مسکن در جهت رسیدن به معماری پایدار، با استفاده از معماری منظر قابل دسترس است. آنچه قابل تامل است، معماری پایدار منطبق بر اصول معماری و بومی می‌باشد و از آنجا که قدمت معماری بومی در روستاها بسیار زیاد است، بنابراین قابلیت‌های زیادی برای ساخت مسکن پایدار در صنعت ساختمان سازی شمال ایران وجود دارد.

در بسیاری از کشورها و مخصوصاً در کشورهای اروپایی، صیانت از محیط طبیعی و منظر روستایی یک اصل مهم تلقی شده است که بر اساس آن نیز پژوهش‌ها و تدوین دستورالعمل‌های ارزیابی منظر و آثار "بصری" توسط مؤسسه‌ها و مراجع ذیربط انجام شده است. همچنین توجه به قوانین و مقررات حفاظت از محیط زیست و منظر و نیز تأکید زیاد بر دستورالعمل‌های ارزیابی در هر دو زمینه شهری و روستایی را می‌توان در قالب برخی دلایل به شرح زیر برشمرد:

- بخش اساسی منابع طبیعی پایه را تشکیل می‌دهد؛
- به مثابه گنجینه‌ای، آثار و مستندات باستانی و تاریخی را در خود جای می‌دهد؛
- جایگاه زیست گیاهان و همینطور انسان هاست؛
- به مانند گنجینه‌ای است که واکنش‌های عاطفی، فرهنگی و معنوی انسان از آن بیرون می‌دهد و به

کیفیت زندگی شهری و روستایی غنا می‌بخشد؛

. منبعی ارزشمند برای بازآفرینی است. (تقوایی، ۱۳۹۲)

از دیدگاه معماری منظر آنچه که در تحقق و تعریف فضای جمعی اهمیت دارد، اجرای پروژه‌ها به گونه ای است که فضای جمعی مورد نظر عملکرد چندگانه در تامین نیازهای مادی و مخاطبان داشته باشد نه صرفاً یک عملکرد کلی. در عین حال این فضا چنان که از نامش پیداست یک فضای اختصاصی نیست، دیوار و حصار ندارد و در تمام ساعات شبانه روز و برای همه اقشار اجتماعی قابل دسترس است. این اهداف که به ویژه در اجرای پروژه سامان‌دهی اهمیت بسیار دارد، در یک برداشت کلاسیک از پروژه‌های سامان‌دهی به روش‌های معمول در ایران هیچگاه مورد توجه نبوده است.

در رویکرد جامعه‌شناختی می‌توان روستا را به مثابه یک واقعیت اجتماعی تعریف کرد به گونه ای که روستا حاصل مجموعه‌ای از روابط میان بازیگران اجتماعی است. بنابراین، این باور وجود دارد که شکل‌گیری فضاها و روابط روستایی از این روابط تبعیت می‌کنند. این رابطه را می‌توان در بافت اجتماعی و طبیعی به روشنی مشاهده کرد به گونه‌ای که تمام ابعاد و زوایای معماری پارسی در روستاهای الیت و دلیر با ویژگی‌های زیر قابل تشخیص است:

- استفاده از سنگ بریده، منظم و پاک‌تراش و گاه صیقلی و تهیه بهترین مصالح از لحاظ مرغوبیت، رنگ و دوام از هر جا که میسر بوده است.

- استفاده از سنگ‌ریزه در ساخت پی.

- قرار دادن ستون‌ها در حداکثر فاصله‌ی ممکن نسبت به هم و ارتفاع زیاد آن‌ها نسبت به زمین و آرایش و چیدمان مناسب آن‌ها برای تقسیم بار سقف بر ستون‌ها.

- پوشش با شاه‌تیر، تیرچه چوبی تخته بریده و درودگری شده.

- تعبیه سایبان و آفتاب‌گیر برای ساختمان‌هایی که نیاز به چنین آن داشته‌اند. (پیرنیا، ۱۳۸۶)

از نظر اجتماعی نیز، روستاها مکان‌های مناسبی برای شکل‌گیری نهادهای جمعی، اعتدالی ارزش‌های فرهنگی، گسترش و تحکیم روابط و مناسبات اجتماعی و پاسداری از روش‌های انسانی و هویت‌های ملی و محلی هستند.

از سوی دیگر، اگرچه مطالعات محیطی، بیشتر در سطوح کلان باستان‌شناسی استفاده می‌شود، در سطوح مختلف نیز کاربردهای خاص خود را دارد. در این سطوح ویژگی‌های محیطی، اعم از محیط طبیعی (همچون شرایط اقلیمی، جغرافیایی و زمین‌شناختی) و محیط مصنوعی (همچون شبکه راه‌ها، فضاهای معماری و زمین‌های مزروعی) در ارتباط با فرآیند شکل‌گیری، تداوم و تغییر بافت‌های مورد نظر به منظور شناخت ارتباط بین محیط و نظام‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی سنجیده و تحلیل می‌شود. (کریمیان و احمدی، ۱۳۹۴)

پیشینه

در گذشته بناهای لازم برای سکونت خانواده‌ها، فضاهای مورد نیاز برای زندگی دام و طیور، فضاها برای نگهداری محصولات کشاورزی و عوامل تولیدی روستاییان، با استفاده از مصالح بومی نظیر؛ خاک، سنگ، چوب، گیاهان محلی و بوته خار که در اطراف محل زندگی روستاییان وجود داشت، بنا می‌شد به گونه ای که هر کدام، نوعی از مصالح ساختمانی بود که به دقت مورد توجه قرار گرفته و به صورت صحیحی مورد بهره برداری قرار می‌گرفتند. (زرگر، ۱۳۸۶)

روند شکل‌گیری روستاهای شمال کشور ایران به صورتی الهام گرفته از طبیعت و الگو یافته از جغرافیای محل است. ساکنان روستاهای ایران همواره در راستای پاسخگویی به نیازهای اقلیمی در ساخت خانه‌های خود علاوه بر استفاده از نمادهای دستی و بومی، نشانگر فعالیت‌های اقتصادی منازل نیز می‌باشد. (خاکپور، ۱۳۸۴). بناهای روستایی مازندران به ویژه منطقه الیت و دلیر به دلیل شکل و مصالح بومی این منطقه که به دلیل وجود جنگل معمولاً از چوب است، به نظر می‌رسد ساختار

خاصی از معماری را دنبال می کند. نحوه ساخت بناهای روستاهای الیت و دلیر، تکنیک های سنتی ساخت و تطبیق آن با بناهای مصالح جدید است که شرایط زندگی در این منطقه را با اقلیم هماهنگ نموده است.

همچنین بناها از نظر مصالح ساخت و آرایش قسمت های مختلف، تحت شرایط جغرافیایی محیط خود قرار می گیرند و به سبب انعکاس این تأثیر از اهمیت جغرافیایی برخوردار می شوند. بناهایی که بیشترین تطبیق را با محیط جغرافیایی داشته و تأثیرات محیط خود را به خوبی منعکس می کنند، مساکن روستایی می باشند (ظاهری، ۱۳۷۴).

تحقیقات در خصوص مهاجرت روستاییان به شهرها عمدتاً بر آن است تا تبیین کند که چرا روستاییان مهاجرت می کنند و عوامل مؤثر در تصمیم گیری آنان برای مهاجرت چیست؟ اگرچه عوامل اقتصادی و غیراقتصادی به طور هماهنگ در ایجاد انگیزه های مهاجرت روستا به شهری مؤثرند، بی تردید در فرایند تصمیم گیری برای مهاجرت، به طور نسبی عوامل تأثیرگذار در اشخاص و از مناطق گوناگون کاملاً متفاوت است؛ چراکه طیفی گسترده از افراد و قشرها را تشکیل می دهند که زمینه های متفاوت برای مهاجرت دارند (طاهرخانی، ۱۳۸۰).

روستاهای الیت و دلیر در غرب مازندران، در میان رشته کوه های البرز قرار داشته و مسیر آن در جاده کندوان و پس از عبور از دزبن با جاده ای کوهستانی از سمت راست و طی مسیری به طول ۳۵ کیلومتر می باشد. الیت و دلیر، منطقه ای دره ای است شرقی-غربی که آب رودخانه آن از مجموعه یخچال ها و چشمه های طبیعی (به عنوان مثال؛ چشمه هفت خمی، ارتفاعات دلیر، سیاه چشمان و ارتفاعات الیت) بوده و سرچشمه اصلی رودخانه چالوس است. این منطقه به دلیل کوهستانی بودن، دارای آب و هوای سرد کوهستانی با زمستان های طولانی و پُر برف و تابستان های معتدل و خنک می باشد.

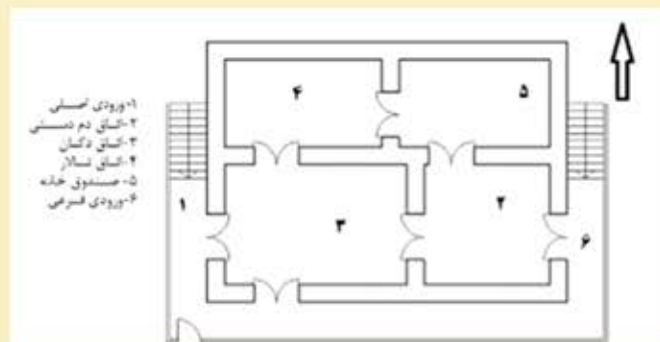
نکته مهم و در خصوص این دو روستا و بررسی های انجام شده، نشان داد که در هیچ دوره ای نمی تواند خالی از سکونت و استقرار انسانی باشد. کشف آثار مربوط به اکثر دوره های تاریخی در جای جای این منطقه این نظر را با قوت هرچه بیشتر تأیید می نماید. محوطه هایی نظیر؛ خانیان، قلاکوتی (این قلعه که در روستای دلیر واقع شده است، آثار زیادی از آن به جای مانده است. با کنده کاری در این محل، تیرزین، پیکان و سایر لوازم جنگلی به دست آمد)، وجود زمینی به نام «چارسی» یا چهارسوق نزدیک امامزاده دهکده الیت نشانه وجود بازار بزرگی در این منطقه بوده است. در این مکان قبلاً گندم کشت می شد اما در حال حاضر به دلیل وجود سیل و وجود زمین آبرفتی و شنزار غیرقابل استفاده کشاورزی است. نظری به تاریخ کهن معلوم می شود که فدائیان اسماعیلیه شجاع و بی باک بودند و در جنگ ها تا آخرین نفر مقاومت می کردند و از سوی دیگر می دانیم که اسماعیلیه به دست مغولان تارومار شدند و دامنه وحشت و خونریزی این متجاوزین نیز که پاهایشان به هرجا می رسید، موجود زنده ای باقی نمی گذاشتند مشخص است. بنابراین شهر الکبیره که احتمالاً بایستی در جای خرابه های کنونی الیت باشد به دست مغول ها ویران و با ساکنانش یکجا معدوم شده است. (ولی پور، ۱۳۸۷). و این امر حاکی از عدم مهاجرت به شهرها از سوی ساکنان این دو روستا می باشد.

عوامل مؤثر بر فضاهای بیرونی عمدتاً شامل تمام جنبه های زیبایی شناسی، فرهنگی، هویتی، اجتماعی، اقتصادی و تمام شرایط و ویژگی های انسانی شامل تاریخ، سنن، آداب، روانشناسی فردی و اجتماعی است. به طور کلی عوامل مؤثر بر فضاهای بیرونی یا محیط خارجی مجموعه پارامترهایی است که برای یک زندگی جمعی مطرح و مورد نیاز است. پارامترهایی که عمدتاً غیر مادی است و از جنس معیارهای مورد نظر در طراحی توده حجمی ساختمان نیست. محبوبیت و اهمیت فضاهای عمومی و کارکرد آن برای مردم که علاوه بر مردم و سکنه بومی هر منطقه، ویژگی های آن کاراکتر خاص از آن منطقه را به نمایش می گذارد و معرف آن است که در صنعت گردشگری نیز اهمیت خاصی دارد.

از این رو، سه هدف به طور عمده در معماری منظر مورد توجه است و کسانی که تئوری های مربوط

به این رشته را مطالعه می‌کنند، می‌آموزند که طراحی فضاهای بیرونی یا جمعی، نخست از لحاظ فرهنگی - هویتی همچنین زیبایی‌شناسی هنری و سرانجام از لحاظ کارکردی یا عملکردی، چگونه باید باشد و به چه مواردی باید توجه شود. بنابراین یک معمار منظر بخش مهمی از عمر یادگیری‌اش را صرف آموختن این وجوه می‌کند. توجه به وجه زیبایی‌شناسی هنری بیشتر به خوانایی محیط منجر می‌شود و وجه فرهنگی - هویتی، مسایل نشانه‌شناسی و ذهنی انسان‌ها را در برمی‌گیرد و توجه به وجه عملکردی به معنی توجه به تأمین نیازهای عمومی مخاطبان یا استفاده‌کنندگان است. روستاهای ایران در نیم قرن اخیر، دچار از هم گسیختگی عمیق شده و راه تکامل تدریجی خود را از دست داد و دچار بحران شد. برخی از اساسی‌ترین عوامل این بحران عبارتند: از تغییر ساختار اقتصادی، تحولات سریع در مصالح و فناوری ساخت که با توجه به شرایط محیط روستایی ایران بومی شده است، شهری شدن روستاها بر اثر انفجار شهرها و برخی تحولات ناسازگار با اقلیم و بافت روستاها در غالب طرح‌های ارشد استایی که به وسیله برخی از مدیران و طراحان و برنامه‌سازان صورت گرفته است. (عباس زادگان ۱۳۸۹) دچار آسیب‌های جدی کرده است. از سوی دیگر، گردشگری خانه‌های دوم، اثرات منفی نیز به دنبال داشته است که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: تغییر کاربری اراضی و تخریب مراتع و باغات، افزایش تولید زباله و نبود برنامه‌ای برای جمع‌آوری زباله و پراکندگی در کنار جاده‌ها، مراتع و رودخانه‌ها، افزایش هزینه ساخت و ساز و عدم هماهنگی بین نوع مصالح و سبک معماری بناهای روستاییان با خانه‌های دوم، چرا که مصالح به کار رفته در خانه‌های سنتی روستاییان معمولاً مواد موجود در ناحیه و از سنگ، گل و چوب، به صورت همگون و هماهنگ با محیط اطراف است، اما خانه‌های دوم که در روستاها احداث می‌شوند از مصالح شهری و با تیپ کاملاً متفاوت از خانه‌های روستایی ساخته می‌شوند. معماری خانه‌های روستایی متناسب با کارکردهای مختلف آن از قبیل دامداری، طیورداري، تهیه فراورده‌های دامی، گیاهی و صنایع دستی است. در حالی که خانه‌های دوم فقط کارکرد استراحتی و تفریحی دارند. البته وجود خانه‌های دوم بر سبک معماری خانه‌های ساکنان نیز تأثیر گذاشته و موجب کاهش فضاهای معیشتی در درون بافت خانه‌های ساکنان شده است و این امر ساختارهای نامتناسب با کارکرد روستا را به وجود آورده است (دادورخانی و همکاران، ۱۳۹۱)

نقشه پلان معماری روستایی خانه وابسته به عوامل محیط‌زیستی و اجتماعی است که امنیت را تضمین کرده باشد. مراجعه به مصالح، اشکال و اجمالی که با شرایط محلی روستا پیوند خورده باشند از مشخصه‌های معماری روستایی خانه‌های مختلف است. معماران از همان شروع با طرح اتاق و ایوان جلوی آن سعی در شکل‌گیری پلان روستایی (تصویر شماره ۱) هستند که با طبیعت اطراف خود تطبیق و سازگاری کامل دارد. درب‌ها و پنجره‌ها در مکان‌های مختلف بر اساس عملکرد خواسته شده قرار می‌گیرند و حالت پیمون‌واری خود را دارند. در خانه‌های روستایی اتاق چندین عملکرد را با هم ایفا می‌کند، عملکردهایی مانند خواب، نشیمن، غذاخوری، پذیرایی و حتی آشپزی در اتاق انجام می‌شود. نکته دیگر فصلی بودن استفاده از اتاق است. اتاق در فصل سرما، محل خواب و خوردن و حتی آشپزی است و در فصل گرما اتاق جای خود را به عناصر دیگری می‌دهد و این اعمال در ایوان یا در بیرون مسکن انجام می‌شود و آشپزخانه در این فصل، فضای کوچک مستقلی دارد. (صفری، ۱۳۹۴)



بررسی و تحلیل

با فراهم شدن ارتباطات گسترده در مناطق روستایی کشور و ایجاد امکانات جابه جایی مصالح ساختمانی و حمل و نقل آنها به نقاط دور دست، محدودیت هایی که در گذشته برای انتخاب و به کار گیری مصالح در روستاها وجود داشت، از بین رفته است. در نتیجه روستاییان امروزه می توانند علاوه بر مصالحی نظیر سنگ و خاک که با برداشت از محیط پیرامون روستا به دست می آید و یا مصالحی نظیر بلوک و ملات که در محل و توسط کارگران محلی روستا تولید می شود، به خرید مصالح دیگری نظیر آجرهای گوناگون که در واحدهای تولیدی کوچک نزدیکی روستا ساخته می شود و یا مصالحی همچون سیمان و فولاد که در واحدهای بزرگ تولیدی دور از روستایشان تولید می شود، نیز دسترسی داشته و از آنها برای ساخت بناهای روستایی استفاده نمایند. (تسنیمی و همکاران، ۱۳۸۹)

با نگاهی به دوران گوناگون معماری، تصویر طبیعت در نمای بناها به شکل های متفاوت دیده می شود و چگونگی این شکل از معماری به عنوان شاخصی مهم برای شناخت ریشه های فکری گونه ای از متمد معماری و دید معمار نسبت به طبیعت است و از سوی دیگر انعکاس طبیعت در قسمت های مختلف ابنیه در بنا، از نقاشی بر روی دیواره غارها آغاز شده است. با توجه به این امر می توان معیارهای ایجاد بنا در روستاهای الیت و دلیر را اینگونه برشمرد:

- هماهنگی با فرم بنا
- ارانه معانی در خور بنا
- هماهنگی با شرایط طبیعی و سیمای روستا
- سازگاری با آب و هوا
- تناسب با سازه
- در دسترس بودن مصالح و قیمت مناسب
- شیوه های به کارگیری مصالح

از این رو، ایجاد نقش برجسته بر دیوارها و استفاده از معماری بومی در هماهنگی با فرم بنا به عنوان سر ستون ها، پای ستون ها و شبیه نمودن ستون ها به فرم های گیاهی است. (تصاویر شماره ۲ و ۳) این نوع جلوه طبیعت در معماری روستاهای البرز مرکزی نیز دیده می شود. این انواع جلوه اشکال طبیعی در معماری کما بیش ادامه می یابد تا اینکه در قرن حاضر معماری از تزئینات و فرم های گذشته چشم می پوشد و جنبه عملکردی به خود می گیرد.



(تصاویر شماره ۲ و ۳ - استفاده از چوب به عنوان ستون و سرستون)

حال، ذکر این مطلب ضروری می نماید که همزمان بحث درباره تصویر طبیعت در معماری تا قبل از دوره مدرن این مصادیق بیشتر در حیطة نقاشی و تصویرسازی دیواری، نقش برجسته و مجسمه سازی و به عبارتی تزئینات بنا باقی می ماند و آنگاه که به دوره معماری مدرن می رسیم الهام از طبیعت در پاره ای موارد حجم اصلی بنا را تحت تأثیر خود می گیرد. با توجه به مطالب فوق تصاویر طبیعت در معماری را می توان در دو گروه کلی مورد بررسی قرار داد:

- ۱- تصاویر غیر کاربردی طبیعت در معماری
 - بهره گیری از طبیعت در کانسپت و ایده طرح
 - انتزاع طبیعت و بکارگیری از تصاویر و یا نقش برجسته ها و یا تندیس هایی با مضمون طبیعت
- ۲- برداشت و الهام کاربردی از طبیعت:
 - استفاده مؤثر از عناصر طبیعی مانند گیاه در ساختمان (تصویر شماره ۴)
 - طراحی اقلیمی و مطابقت ساختمان با شرایط محیطی (تصویر شماره ۵)



(تصویر شماره ۴ - استفاده از عوامل طبیعی) (تصویر شماره ۵ - طراحی براساس شرایط محیطی)

- تصاویر غیر کاربردی طبیعت در معماری تا قبل از قرن اخیر تصویر طبیعت در معماری با اهدافی بسیار متفاوت انجام گرفته است، اهدافی چون:

- ایجاد فضایی روحانی همراه با نمایش وحدت موجود در عالم هستی،
- تصویر طبیعت به عنوان بخشی از آئین جادویی،
- وام گیری و افزودن زیبایی ها و قدرت های موجود در طبیعت به ابنیه (تصویر شماره ۶)



(تصویر شماره ۶ - زیبایی بنا با استفاده از طبیعت)

معماری روستایی سنتی در روستاها نشانگر تعاملات بین فضای محلی و سکونتگاه‌های اولیه مردمی است که دارای پیش‌زمینه تاریخی طولانی هستند. با این‌که بسیاری از میراث‌های بومی علی‌رغم تغییرات جهانی، ثابت و دست‌نخورده باقی‌مانده‌اند اما آن‌ها در معرض منقرض شدن هستند. هویت معماری پایدار روستایی دربرگیرنده اصولی است که کاربرد مصالح بومی و فرایند ساخت و ساز سازگار به محیط در این سبک در نظر گرفته شده را ترویج می‌دهد. هویت معماری روستایی شامل واحدهای مسکونی است که به نحوی در طول زمان شکل گرفته و توسعه یافته‌اند و بیانگر ارتباط بین مردم با محیط پیرامون است. بنا بر سنت، سکونتگاه‌های روستایی بیانگر توانایی مردم در تغییر محیط به نفع خویش است به نحوی که کم‌ترین تاثیر را بر محیط داشته باشد.

اولین موردی که در هنگام ورود به روستا به ذهن می‌رسد، تراکم قابل توجه بناهای روستا است چرا که همواره در اغلب روستاهای منطقه شمال کشور به دلیل آب و هوای معتدل منطقه و البته نیاز به کوران، خانه‌ها با فاصله بسیار از هم ساخته می‌شوند، به گونه‌ای که بناها با فاصله‌ای نزدیک به هم و گاه چسبیده به هم ساخته شده‌اند و دلیل این مورد را می‌توان در شرایط آب و هوایی منطقه جستجو کرد. (تصویر شماره ۷)



(تصویر شماره ۷- تراکم بافت روستایی)

توجه به مسئله سرما را می‌توان در ایوان‌های بناها نیز مشاهده نمود، ایوان‌ها به گونه‌ای شکل گرفته‌اند که علاوه بر پاسخگویی به شرایط اقلیمی مرطوب منطقه و فراهم‌آوری کوران در فصل تابستان، بتوانند مسئله سرما را نیز در نحوه ساخت خود حل نمایند، بدین صورت همانطور که در شکل قابل مشاهده است، ایوان‌های ساخته شده در روستاها از چهار طرف باز نیستند، (تصویر شماره ۸) بلکه این ایوان‌ها به عنوان سکویی در مقابل ورودی قرار دارند که هم می‌توان در فصل تابستان از آن استفاده کرد و هم در فصل زمستان با قرارگیری در و دیوارهای چوبی در مقابل آن می‌توان تا حدودی از ورود سرما به بنا جلوگیری کرد.



(تصویر شماره ۸ - جهت ایوان خانه‌ها)

معماری بناها در برخی از روستاها به صورت دست‌نخورده و ابتدایی باقی‌مانده است که همین امر می‌تواند به عنوان میراثی گرانبه در نظر گرفته شود. معماری روستایی که معماران و بناهای آن اهالی خود روستا هستند، رنگ و بوی معماری قدیمی و روستایی خود را حفظ نموده است، همانطور که در تصویر شماره (۹) دیده می‌شود، سلسله مراتب ورود به بنا و فضاهای به کار برده شده در بنا، عملکرد و شکل اصلی و حتی عناوین خود، در طول گذر زمان از گذشته تا به امروز را حفظ نموده‌اند.

(تصویر شماره ۹ - شکل و فرم بنا سازی روستایی)



همچنین در قسمت شمال و شمال غربی و شرقی این منطقه پوشیده از کوهستان ها است، در این قسمت گیاهان کوتاه خاردار و گیاهان علوفه ای یافت می شود.

به دلیل اقلیم منطقه و وجود آب و هوای سرد و کوهستانی، دیوارهای ساخته شده منازل بسیار قطور می باشند، به گونه ای که ضخامت این دیوارها به ۷۰ سانتی متر می رسد، به علاوه در این منطقه، به علت پاسخگویی به شرایط اقلیمی منطقه که دارای دمای ۲۱ درجه زیر صفر در زمستان و ۲۸ درجه بالای صفر در تابستان می باشد، از مصالحی با مقاومت حرارتی بالا استفاده می شود (شمس، ۱۳۸۹)، که البته این مصالح بوم آورد بوده و از جنگل ها و کوهستان اطراف به دست می آیند. اقلیم و آب و هوا و نوع پاسخگویی به شرایط، عامل اساسی در شکل گیری فرهنگ هر مرز و بوم است چرا که نوع پاسخگویی به اقلیم و شرایط خاص آب و هوایی در نوع رفتارهای نوع مسکن و نحوه زندگی که از عوامل تشکیل دهنده فرهنگ هستند، تاثیر گذار است (حسن یورلمر، ۱۳۹۲)

خانه های ساخته شده در روستاهای الیت و دلیر به سه دسته کاهگلی، سنگی و چوبی تقسیم می شود. برای ساخت بنا از مصالحی مانند: خشت و کاه گل (تصویر شماره ۱۰) استفاده می شود. خانه های کاه گلی را بر روی سکویی از سنگ و ملات گل می سازند، این منازل پی کنی نداشته و بر روی سطح معمولی زمین ساخته می شوند. در سال های اخیر در روستاهای الیت و دلیر، بناهایی با مصالح جدید مانند: بلوک و آجر و شیروانی های این بناها نیز با استفاده از مصالح فلزی سبک (تصویر شماره ۱۱) ساخته شده اند. در حالی که سقف های چوبی منطقه پایدار بر سر جای خود قرار داشتند.

انواع مصالح بوم آورد نظیر: سنگ، خاک، چینه، چوب، ضایعات کشاورزی، الیاف طبیعی و انواع ملات های بومی ساختمان در نقاط مختلف مورد استفاده قرار گرفته است. (ویسه و همکاران، ۱۳۸۸). بررسی ها و تحقیقات مشابه آن ها اثبات می کند که رویکردی دوباره به مصالح بوم آورد و تفکر برای تکامل و به کناره گیری مجدد آنها در بناهای روستایی موضوعی رویایی و غیر واقعی نیست بلکه در نقطه مقابل می تواند به کاهش و یا رفع برخی از مشکلات نیز کمک نماید.



(تصویر شماره ۱۱ - مصالح؛ سیمان، تیرچه و ...)



(تصویر شماره ۱۰ - مصالح؛ کاه گل و ...)

اقدام مهمی که در بسیاری از روستاها در پاسخگویی به کاربرد مصالح جدید برای ساخت بناها یا سنگفرش کوچه‌های روستا نموده اند، استفاده از سنگ‌های منطقه است. این اقدام ضمن برقراری ارتباط با بیننده، تا حدودی هماهنگی بصری روستا را با طبیعت فراهم می‌کند.

شیوه‌های خانه سازی در روستاهای مازندران، خانه سازی با چوب است. ساخت وساز رایج امروزی در روستاهای مازندران بخصوص خانه های روستاییان، همگون با محیط، زندگی و معماری روستایی زیبا و اصیل آن ها می باشد بخش مهمی از مشکلات در روستا به رواج و ترویج شیوه های ساخت مدرن و به کارگیری مصالح جدید مانند؛ بتن و فولاد مربوط می شود. (یوسف نیا پاشا، ۱۳۸۵)

در مناطق روستایی از آنجاییکه خود اهالی محلی اقدام به ساخت بناهای خود می نمایند، لذا تدابیر سازه‌ای خاصی نیز برای آنها در نظر می‌گیرند. به عنوان مثال: همانطور که در شکل (۱۳) نشان داده شده است، در ساخت بناها در هنگام قراردادن تیرهای اصلی در سقف، میزانی از تیرها بیرون قرار می گرفته است، این امر مقاومت ساختمان را افزایش می دهد. در شکل (۱۴) مشاهده می شود که در زیر سقف شیروانی، از چوب های عمودی در فضا استفاده شده است. (صفری ، ۱۳۹۴)



(تصویر شماره ۱۴)



(تصویر شماره ۱۳)

سادگی از دیگر رمزهای معماری روستایی است. معماری روستا با خانه آغاز می‌شود و با خانه به آخر می‌رسد. (اکرمی، ۱۳۸۹). این شیوه، به گونه‌ای است که به راحتی خود را در شرایط ویژه محیطی، همساز می‌کند. «رکن‌الدین افتخاری و همکاران، ۱۳۹۱». این بناها در نگاه اول ساده و ابتدایی به نظر می‌رسند؛ ولی در واقع، توسط مردمی ساخته شده‌اند که همه هوش و ظرفیت شان را به کار گرفته و از تمامی روابط موجود بین خودشان، در ساخت آنها استفاده کرده‌اند. (تقوایی و همکاران، ۱۳۸۸)، معماری روستایی در ایران، به لحاظ ماهیت کارکردی و پاسخگویی به نیازهای انسانی، فعالیت های مردمی، عناصر تولیدی و محیط زیست، مجموعه‌ای همگن و متشکل با هویت کالبدی خاص را تشکیل می دهد که تجلی کننده ارتباطات و کارکردها و نقش چند عملکردی فضاهاست.

این هویت، از نفس سکونت و شیوه زیست در روستا نشأت می‌گیرد. به همین دلیل، مسکن در روستاها علاوه بر پاسخگویی به نیاز سکونت و تأمین امنیت و حریم خانوار، حلقه‌ای از نظام تولیدی روستا را نیز در برمی‌گیرد و به‌گونه‌ای متقابل با آن، پیوند می‌خورد. گونه‌های موجود مسکن روستایی مصادیق بارز این ویژگی محسوب می‌شوند. (سرتیپی پور، ۱۳۸۴)

با توجه به مشکلات پدید آمده در روستاها، به نظر می‌رسد در راستای حفاظت مسغولانه از کالبد و سیمای روستاها، روی آوردن به منابع طبیعی محلی و به کارگیری آگاهانه مصالح بومی می‌تواند تا حدودی مؤثر و کارگشا باشد. این مسئله به پاسداری از میراث گرانبهای معماری روستایی که در زمره سرمایه‌های انسانی ملی تاریخی کشور است، کمک می‌نماید و باعث می‌شود تا اصالت و هویت معماری سکونتگاه های روستایی حفظ گردد. متعاقب آن، می‌توان به کشف رازها و اتحادهای نشانه هایی که در این معماری نهفته است، پرداخته و با مطالعه و یافتن راهکارهای تکامل و تداوم در کار برد آن، به استعرا نه و پویا نمودن آن همت گماشت. (سرتیپی ، ۱۳۸۸)

با توجه به مشکلات پدید آمده در روستاها، به نظر می‌رسد در راستای حفاظت مسئولانه از کالبد و سیمای روستاها، روی آوردن به منابع طبیعی محلی و به کارگیری آگاهانه مصالح بومی می‌تواند تا حدودی مؤثر و کارگشا باشد. این مسئله به پاسداری از میراث گرانبهای معماری روستایی که در زمزه سرمایه‌های انسانی ملی تاریخی کشور است، کمک می‌نماید و باعث می‌شود تا اصالت و هویت معماری سکونتگاه‌های روستایی حفظ گردد. متعاقب آن، می‌توان به کشف رازها و اتحادهای نشانه‌هایی که در این معماری نهفته است، پرداخته و با مطالعه و یافتن راهکارهای تکامل و تداوم در کار برد آن، به استعرا نه و پویا نمودن آن همت گماشت. (سرتپی، ۱۳۸۸)

نتیجه‌گیری

معماری، حاصل تفکر و روح بشر است. محتوای فکری و روحی انسان طراح و سازنده، در آن نمایان است. انسان روستایی، معماری را با آگاهی نسبت به محیط طبیعی، اجتماعی، فرهنگی و با بصیرت، نسبت به هستی و طبیعت طراحی می‌کند و می‌سازد.

آنچه شرایط ویژه روستاهای الیت و دلیر را به لحاظ موقعیت اقلیم و شرایط جغرافیایی در جهت جذب جمعیت کمک کرده است، فرهنگ موجود میان ساکنان روستاهای الیت و دلیر بوده است. نوع زندگی انسان‌ها، گذشته و فناوری آنها قابل مطالعه و تامل است تا بتوانیم از تجارب و پیشرفت‌های آنان در جهت بهتر کردن فناوری‌های روز استفاده کنیم. بدون شک مردمی که از گذشته بسیار غنی و پرفراز و نشیب برخوردار است، باید با این گذشته بیشتر آشنا و در جهت بهره‌گیری از این تجربه آگاهی داد.

چیدمان عناصر مورد نظر کنار همدیگر می‌تواند به بررسی، نگرش، نوع و چگونگی ارتباطات قومی و منطقه‌ای کمک شایانی نماید. با بیان این موضوعات می‌توان به دوره تاریخی جدیدی دست یافت و در نهایت آنچه در این منطقه به چشم می‌آید، وحدت میان طبیعت - ساکنان و ساکنان دو روستا در راستای همگرایی و همنوایی در برقراری ارتباطات اجتماعی است.

بررسی و مطالعه چگونگی معماری هر منطقه با توجه به پیشرفت علوم معماری به جهت توسعه و رشد هر منطقه به شمار آمده و دو روستای الیت و دلیر به عنوان یکی از مناطق مهم تاریخی در همه ادوار از این قاعده مستثنی نمی‌باشد. این منطقه به لحاظ دارا بودن موقعیت خاص جغرافیایی نظیر اراضی قابل کشت، آب فراوان، هوای خوب، ژئومدولوژی خاص، همواره در طول ادوار گذشته بعنوان یکی از سکونتگاه‌های انسانی در حوزه جغرافیای البرز مرکزی مورد توجه بشر بود.

در دوران باشکوه تاریخی سراسر کشور ایران به صورت یکپارچه مهد تمدن‌های بزرگ آن زمان شد. دوران هخامنشی، سلوکی، اشکانی و ساسانی مملو است از پیشرفت‌های بی نظیر علم در حوزه‌های مختلف فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در ایران و حتی فراتر از حوزه سیاسی ایران آن زمان بود. از این حیث می‌توان گفت؛ این دوره به دلیل وجود محوطه‌ها و تپه‌های تاریخی متعدد و پراکنش آن در تمامی حوزه‌های جغرافیایی الیت و دلیر نشان از شکوه و عظمت دوره تاریخی در این منطقه می‌باشد. صرف نظر از نوع فضاها و فرم‌های به کار رفته، ابنیه ساخته شده در مناطق کوهستانی از ساختار کالبدی گرفته تا تزیینات وابسته به معماری منظر مشهود بوده و به راحتی قابل تشخیص می‌باشد و آنچه در بسیاری از ابنیه الیت و دلیر (بیشتر مذهبی و مسکونی) مشترک است استفاده از عنصر اصلی چوب به عنوان اسکلت و ساختار، عنصر تزیینی و حتی دیوارهای جداکننده و باربر می‌باشد. تنوع این عنصر و فراوانی آن همواره موجب استفاده گسترده از آن در سازه‌های معماری شده است.

فهرست منابع

کتاب:

- پیرنیا، محمدکریم، سبک شناسی معماری در ایران، تهران، انتشارات سروش دانش، ۱۳۸۳
 - تسنیمی، عباسعلی، غزال راهب، مهتا میرمقتدایی، (۱۳۸۸). الگوی مسکن روستایی در استان اردبیل. مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن، تهران
 - حائری، محمدرضا، (۱۳۸۸) نقش فضا در معماری ایران، تهران، دفتر پژوهش های فرهنگی
 - زرگر، اکبر. (۱۳۸۶). درآمدی بر شناخت معماری روستایی ایران، دانشگاه شهید بهشتی - تهران (چاپ چهارم)
 - سرتیپی پور، حسن. (۱۳۸۸)، آسیب شناسی معماری روستایی به سوی سکونتگاه مطلوب، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، تهران
 - سرتیپی پور، محسن، (۱۳۸۸). خانه های روستایی ایران تهران، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی
 - ظاهری محمد، (۱۳۷۴)، جغرافیای سکونت (سکونت گاه های روستایی)، انتشارات دانشگاه تربیت معلم تبریز، چاپ اول
 - ولی پور جعفر، نوشیر سارا (۱۳۸۷) شهر کهن چالوس، افست رضا، نوشهر
- مقالات:
- اکرمی، غلامرضا ۱۳۸۹- رازهای معماری روستایی، فصلنامه مسکن و محیط روستا، دوره ۲۹، شماره ۱۳۱، صص ۲۷-۵۰
 - افتخاری رکن الدین عبدالرضا، مجتی حاجی پور، احداله فتاحی، پایدار کل سنگ ابوذر، (۱۳۹۱) بررسی میزان انطباق ساخت و سازهای جدید در نواحی روستایی، فصلنامه مسکن و محیط روستا، شماره ۱۳۹، صص ۹۵-۸۵
 - تقوایی، علی اکبر؛ بهرامپور و مهدیراد، مهنوش؛ ۱۳۸۸ باسازی مسکن روستایی پس از سانحه، فصلنامه آرمانشهر، دوره ۲، شماره ۲، صص ۱۰۵-۱۱۲
 - تقوایی، حسن، (۱۳۹۲) "منظر روستایی و جلوه های پرداخت محیط"، ماهنامه مسکن و محیط روستا، شماره ۱۴۲
 - حسن پور لمر، سعید، (۱۳۹۲) چگونه شناسی خانه های سنتی شهرستان تالش (نمونه موردی: روستای خاله سرا ۵۷)، نشریه مسکن و محیط روستا شماره ۱۴۷ پاییز
 - خاکپور، مژگان، مسکن بومی در جوامع روستایی گیلان، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۲، صفحات ۶۳-۷۲
 - دادور خانی: فضیله و محمدزاده لاریجانی؛ فاطمه؛ ۱۳۹۱، تحلیل تطبیقی نظرات سهم بران در خصوص اثرات گردشگری خانه های دوم بر جنبه های کالبدی - فیزیکی مناطق روستایی (مطالعه موردی: روستاهای ییلاقی بخش بندپی شرقی شهرستان بابل)، فصلنامه مسکن و محیط روستا، دوره ۱، شماره ۱۴۰، صص ۱۰۶-۸۳
 - سرتیپی پور، حسن. (۱۳۸۸). بررسی تحلیلی مسکن روستایی در ایران، صفه، شماره، تهران، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی
 - سرتیپی پور، حسن. (۱۳۸۸). حفاظت و احیای میراث معماری روستایی؛ ضرورت، راهکارها، مسکن و محیط روستا شماره ۱۲۷
 - شمس، مجید، خداکریمی، مهناز (۱۳۸۹)، بررسی معماری سنتی همساز با اقلیم سرد، نشریه آمایش محیط شماره ۱۰
 - صفری کمال الدین پشته، محمد، دهقان، نرگس، (۱۳۹۴)، معماری بومی منطقه کجور (مطالعه موردی: روستای لاشک)، همایش معماری و شهرسازی بومی ایران
 - طاهرخانی، مهدی (۱۳۸۰) تحلیلی بر عوامل مؤثر در مهاجرت روستا - شهری، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال ۱۱، شماره ۳
 - عباس زادگان، مصطفی- (۱۳۸۹)، چالش های حفاظت از منظر بومی روستاهای ایران، در چکیده مقالات اولین کنفرانس بین المللی سکونتگاههای روستایی، تهران، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی
 - کریمیان، حسام، احمدی، عباسعلی (۱۳۹۴) باستان شناسی فضایی، رویکرد علمی در مطالعه و تحلیل آار معماری، فضاهای شهری و بافت کهن، مطالعات باستان شناسی، دوره ۷، شماره ۲، پاییز و زمستان
 - ویسه، سهراب، خدابنده، ناهید، حکاکی فرد، حمید رضا، طهماسبی، فرهنگ، (۱۳۸۸)، ارائه روش های مناسب در استفاده از مصالح بوم آورد، مسکن در محیط روستا، شماره ۱۲۶
 - یوسف نیا پاشا، مجید (۱۳۸۵)، قابلیت چوب در ساخت مسکن روستایی امروز در مازندران، مسکن و انقلاب، شماره ۱۱۳

– Investigating the sociological impact of landscape architecture on the views of villages in northern Iran (Case study, sustainable architecture in Mazandaran, Elit and Delir villages of Chalus city)

– Abstract

– The northern region of Iran has always been known as a region with a moderate and humid climate, but the important issue is the existence of some places in this region with different climates. Since the climate has a direct effect on the formation of culture and architecture, the presence of cold and mountainous weather in the region has caused the formation of architecture different from other parts of the north of the country with a mild and humid climate. On the other hand, landscape architecture, based on naturalism, audience-oriented, functionalism based on exterior design with a combination of people's memories, needs, and common

the lack of expertise and inattention to the principles and techniques related to appearance and landscape has caused the repetition, similarity and unsuccessful eclecticism of foreign and domestic styles and sometimes the destruction of valuable historical elements and textures. In the meantime, examining the architecture of the region can answer some of these cases. In the meantime, indigenous structures are structures that have been used according to the climate and materials available in a specific region and have different details in the implementation that are specific to the same region.

– Keywords :

– Architecture, sustainable architecture, elite and courageous architecture, landscape architecture



نقاشی خلاق ساحل تابستان

هدی رضانی

مربی هنری کارگاه‌های تخصصی مرکز فرهنگی هنری دلگشا

تکنیک: شن و چسب چوب
ابزار مورد نیاز: گواش، مقوای فابریانو، چسب چوب، شن و صدف دریایی
ابتدا تصاویر مربوط به سواحل مختلف را به کودکان نشان می‌دهیم. بعد با سوال و جواب‌های مرتبط ذهن کودک را آماده می‌کنیم (بارش فکری) سپس با گواش آسمان و دریا میکشیم. قسمتی را که مربوط به ساحل است به شرح زیر اجرا می‌کنیم: شن و چسب چوب و کمی آب را ترکیب کرده و در قسمت ساحل با قلم مو می‌گذاریم. در نهایت صدف‌ها را روی آن می‌چسبانیم.



تحلیل نقاشی

مهدیس رضایی
مربی هنری مرکز فرهنگی هنری نکا



سن عضو: ۹ سال

جنسیت: دختر

موضوع: غذاهای خوشمزه

موضوع انتخابی با توجه به سن مخاطب باید به درستی درک شود اما در اثر موضوعی که به آن اشاره شده دیده نمی شود. کودک آزادانه نقاشی کشیده و بدون در نظر گرفتن اندازه و اجزای نقاشی آن را ترسیم و چیدمان کرده و با توجه به سن کودک و اینکه اندازه ها را در نظر نگرفته (مثل شطرنجی های کف زمین) خیلی غیر عادی به نظر نمی رسد. رنگ های سیاه شطرنجی که عضو خواسته فضای کف رستوران را نشان دهد بر اثر غالب شده است و اگر اینچنین نبود میتواندست اجرای بهتری داشته باشد. فیگورها در تصویر متفاوت کار شده و با توجه به فضایی که از طبیعت در پنجره نقاشی کشیده شده به نظر می رسد کودک با محیط آشنایی قبلی داشته است. رنگ ها تخت و تکنیک انتخابی شده گواش می باشد





تحلیل خوشنویسی

شہلا نیکونیا

مربی هنری مرکز فرهنگی هنری قائمشهر

سن عضو: ۹

جنس: دختر

مربی راهنما: شہلا نیکونیا

موضوع: خط نستعلیق تحریری

کار ارائه شده توسط عضو از نقاط قوت و ضعفی برخوردار است که می توان به آنها اشاره کرد:
کار از فضا سازی خوبی برخوردار است فاصله بین خطوط و کلمات به خوبی رعایت شده است جاگذاری کلمات کشیده به درستی انجام شده اما (کلمات کشیده) می توانست کمی بیشتر باشد دوایر اندازه های خوبی دارند و یکنواخت هستند اتصالات هم به خوبی و کاملاً درست انجام شده است .

طبیعت به خودی زبانت اما گاهی رفت بانی نموده که در این

زبانی تغییر در وجود آورده زبانی نازکی خلق کرد

به جیبه بانی که بالین گیسبان در دست

منده است نگاه کن! این و خار غیبان»

پرنده ای منده است نگاه کن! اگر به آسمان نگاه می کنی در این کل بانی

فود گریه بانی، فزای منده اند که سر بر منده گذاشته اند

دسته ای طوف خنک می نواید پرنده ای در

بیک لانه باشند به طبیعت ارد برت نگاه کن! این از

زبانی بانی طبیعت چه جیبه زبانی دیگری می توانی

خلق کنی ♥

شاهنازی





علیرضا امیری ۱۰ ساله - مرکز فرهنگی هنری کیاسر

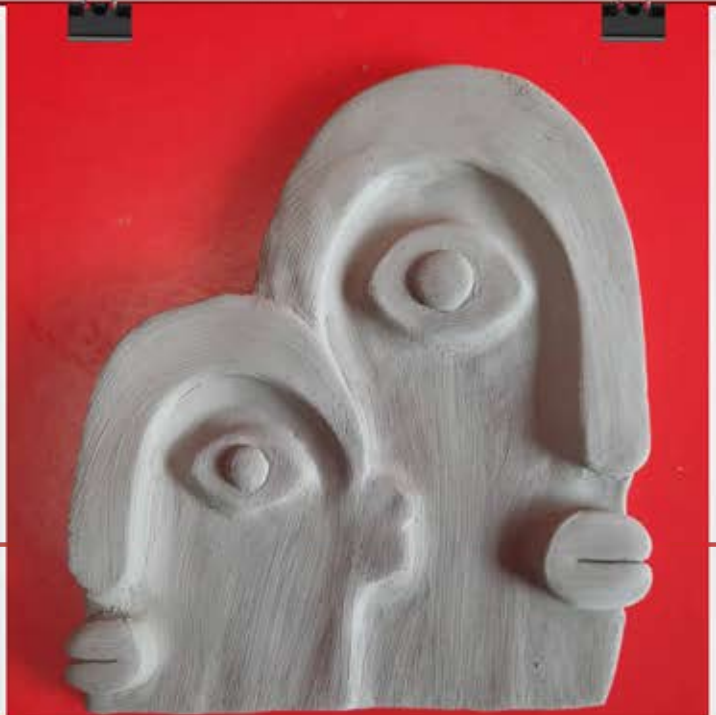


پرسیامهدی تژاد
۹ ساله
مرکز فرهنگی هنری
کیاسر

هانیه خلستان ۱۶ ساله - مرکز فرهنگی هنری کیاسر



نگار حمیدیان ۱۵ ساله - مرکز فرهنگی هنری قائمشهر



حلما زمانی ۱۰ ساله - مرکز فرهنگی هنری شماره یک چالوس

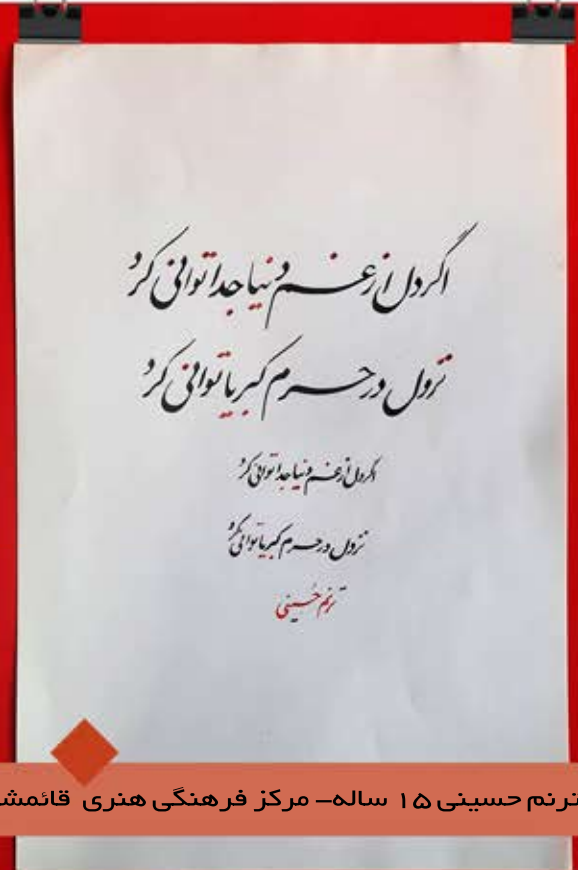


سارینا نجفی ۱۰ ساله - مرکز فرهنگی هنری نوشهر





بهار شیرزاده ۱۶ ساله - مرکز فرهنگی هنری شماره یک چالوس



ترنم حسینی ۱۵ ساله - مرکز فرهنگی هنری قائمشهر



پانیذا تازیکی
۱۱ ساله
مرکز فرهنگی هنری نوشهر

عنوان جستار:

بمان برایم

سمیه حسن پور

مریی فرهنگی مرکز شماره یک ساری



گر نگهدار من آن است که من می دانم
شیشه را در بغل سنگ نگه میدارد

صدف نمی گذرد!
به سختی دوران درمان را پشت سر گذاشته بودم و حالا باید باور می کردم مادر شده ام! این پذیرش آسان نبود و هنوز استرس و اضطراب از دست دادنش کم نشده بود. خوب یادم هست که از همان روز اول مدام با خودم تکرار می کردم: بمان لطفا! همین!

فقط می خواستم بماند. سعی می کردم با او ارتباط بگیرم و حضورش را باور کنم اما... اما سخت بود! آنقدر "نشده بود" که حالا وقتی آن اتفاق خوشایند افتاده بود، باز هم نمی توانستم این روزها که مثل رویا و آرزو بود را باور کنم! می گفتند مادر باید با کودک از دوره جنینی حرف بزند و گفتگو کند تا کودک این عاطفه را حس کند چرا که در رشد عاطفی جنین، این مهم بسیار تاثیرگذار است. اما فقط و فقط و فقط می توانستم بگویم: بمان لطفا!

دائم به سمیه خشک و رسمی درونم نهیب می زد: بین سمیه، دیگر ۱۲ هفته گذشته، صدای قلبش را هم که شنیدی. دکتر هم گفته دخترتان خیلی صورتش با نمک است. پس او وجود دارد!

باز هم نمی شد، فقط پژواک کلمه‌ی "بمان" در ذهنم تکرار می شد. وقتی اولین تکان هایش را حس کردم ترسیدم! اما دستم را به سمتش بردم و همان جمله‌ی همیشگی را آرام گفتم: بمان برایم دخترکم! روزها می گذشت و درمان همچنان ادامه داشت و لحظات پر استرس تمام نمیشد، یک روز عکس سونوگرافی اش را قاب کردم و گذاشتم روی میز، یک روز برایش یک پاپوش خریدم، روز دیگر رفتم و یک دو جین برای موهایش گیره خریدم اما، اما ناخودآگاه، یاد آن روزها می افتادم،

در زندگی تک تک ما آدمها قطعا رویدادهایی رخ داده که بیشتر به معجزه شبیه است. تایید این جمله، بستگی به این دارد که تعریف شما از معجزه و امر اعجاب برانگیز چه باشد! چند درصد ما انسانها به معجزه معتقدیم و به آنها فکر می کنیم؟

من فکر می کنم بزرگترین معجزه‌ای که در آفرینش اتفاق افتاده معجزه‌ی زایش است، معجزه‌ای که مادرها در طول عمرشان حداقل یکبار آن را درک کرده و با گوشت و پوستشان لمس می کنند! این بار معجزه، امر بیرونی نیست و در درونشان اتفاق می افتد. در واقع تکه‌ای از وجودشان است که قرار است با جدا شدن از آنها، حضور خود را تثبیت کند. به نظرم معجزه‌ی مادرانگی انعکاس حضور خدا در زندگی ست و این موضوع باعث شده تا به این فکر کنم که: آیا در زندگی شما معجزه‌ی واضحی رخ داده که آن را با همه‌ی وجود حس کرده باشید؟ آیا معجزه‌ای بوده که با آن حضور خدا را با چشم دیده باشید؟

مسئله‌ی زنی که دوست دارد مادرانگی را تجربه کند به هر دری می زند که خدا را قانع کند تا گلی درونش برویاند و از عطرش سرمست شود. همچون من، که به صرافت افتاده بودم تا معجزه‌ای را خلق کنم و طعم منحصر به فرد مادر بودن را بچشم. ولی به این راحتی‌ها هم نبود. شاید خدا می خواست مسیر پیچیده‌تری را طی کنم و قدر حس گرانبه‌ای مادرانه را بدانم و از یاد نبرم که تا مرواریدی به وجود بیاید، چه‌ها که در دل

باز هم تنها چیزی کماکان و هر روز تکرار می‌شد جمله‌ی «بمان دخترکم» بود و هنوز با وجود تمام تلاشی که می‌کردم و مقالات و کتاب‌های تربیتی که می‌خواندم نتوانسته بودم بیشتر از این ارتباط بگیرم. تصمیم گرفتم برای پرت کردن حواس و کم شدن اضطرابم برایش اسم انتخاب کنم. دوستانم کلی اسم معرفی کرده بودند و همسرم اصرار می‌کرد اسمش را پناه بگذاریم. اما به دلم نمی‌نشست، نه اینکه اسم قشنگی نباشد، چیزی نبود که راضی‌ام کند. یک روز در مرورگر، «نام دخترانه‌ی مازندرانی» را جستجو کردم. اسم‌های قشنگ زیادی پیدا شد. مثلاً: شبره (شب‌نم صبحگاهی) و نوشه (گل بنفشه) نوشیکا (بچه آهو) مانلی (بمان برایم) دوباره خواندم! بمان برایم؟!!

این همان تنها گفتگوی همیشگی من و دخترکم بود: «بمان برایم! بمان لطفا!» انگار به جانم نشسته بود. قلبم از دیدن معنایش چنان شگفت زده شد که هرگز به اسم دیگری فکر نکردم. دیگر با مانلی کمی بیشتر ارتباط می‌گرفتم، کتاب می‌خواندم، کتاب‌های شعر کانون و بعد همان جمله‌ی همیشگی: «بمون مانلی جانم!»

اتاقش را آماده کردم، قفسه‌ی کتاب‌ها و اسباب‌بازی‌هایش را چیدم و آماده‌ی آمدنش شدم. بالاخره نه ماه پر از استرس ۲۴ مرداد سال ۱۳۹۷ تمام شد. مانلی آمد و حالا که این جملات را می‌نویسم بی‌خبر از ماجرای شیرین انتخاب اسمش خوابیده است. یادم باشد وقتی بزرگ‌تر شد و اعتراض کرد که چرا اسمم را مانلی گذاشته‌اید برایش همه‌ی اینها را بگویم تا بداند که جهان من و علی با ماندنش چقدر عوض شده است. سری به اتاقش می‌زنم و به صورت معصومش نگاه می‌کنم. کاش جهان پر شود از این چهره‌های قشنگ و آرام که به دنیای بی‌رنگ و خالی ما روح تازه ببخشند. مانلی ماند و ماندنش، نقطه‌ی عطفی شد در زندگی‌ام و به من فهماند که هنوز هم معجزه اتفاق می‌افتد. معجزه‌ای که حضور خدا را در زندگی‌ام پررنگ‌تر کرد.





عنوان جستار: به دنبال نشانه‌ها

نرجس حق شناس

مربی مسئول مرکز شماره یک ساری

دلالت‌ها، نام‌گذاری‌ها، قیاس‌ها، تمثیل‌ها، استعاره‌ها و رمزگان‌های ارتباطی است. نشانه‌ها بر پایه روش یا رمزگان مورد بهره برای انتقال شان دسته‌بندی می‌شوند که می‌تواند آواهای خاص، علامت‌های الفبایی، نمادهای تصویری، حرکات بدن یا حتی پوشیدن یک لباس ویژه باشد. هر کدام از این‌ها برای رساندن پیام ابتدا باید توسط گروه یا جامعه‌ای از انسان‌ها به‌عنوان حامل معنایی خاص پذیرفته شده باشند. ۱

برای من که مربی فرهنگی کانون هستم و آموزش به بچه‌ها به صورت غیرمستقیم جریان دارد، روش نشانه‌گذاری بسیار جذاب و کاربردی است. البته اشاره کنم این جذابیت ریشه در علاقه‌ی من به ریاضیات دارد. چون منبع اصلی ریاضیات همین نشانه‌هاست. اصلاً زبان ریاضی زبان نشانه‌هاست.

مثلاً مثلث به عنوان مستحکم‌ترین شکل هندسی است که چیزی نمی‌تواند آن را حرکت دهد و یا خرابش کند به خصوص وقتی قاعده‌ای مربع یا دایره شکل داشته باشد، و باز هم مثل کوه‌ها که میخ‌های زمین‌اند و عدم فروپاشی آن را تضمین می‌کنند و استفاده از همین نشانه برای ساخت اهرام ثلاثه مصر با قدمت هزاران ساله که از عجایب ساخت بشر است و هنوز پابرجاست.

در برهان مطلق ریاضی گزاره‌های منطقی را با کمک نشانه‌ها فرمالیزه (قابل تصور) می‌سازیم. نخست برایش نشان‌ها و علائم جمع آوری می‌کنیم و بعد از آزمون و خطا یک فرمول نظام مند طراحی می‌کنیم.

کار در کانون برایم جذاب است چون با همین

چقدر به اطرافتان نگاه می‌کنید؟ چه شکل‌های هندسی در اجسام پیرامون خود می‌بینید؟ چه نشانه‌هایی پیدا می‌کنید؟ تا حالا به این فکر کرده‌اید که نشانه‌های دریافتی شما با دنیای پیرامون‌تان چه ارتباطی دارد؟ آیا شده نشانه جدیدی در روزمرگی‌هایتان کشف کنید؟

می‌گویند گوجه برای قلب مفید است. وقتی گوجه را از بالا برش می‌زنیم و به دو تکه تقسیم می‌شود دو بطن ماهیچه قلب تداعی می‌شود یا گردو که می‌گویند برای سلول‌های خاکستری مغز و افزایش هوش مفید است وقتی به طور کامل از قالبش در می‌آید همانند بافت چربی مغز است.

اینها را گفتم که به نظام نشانه‌ها اشاره کنم. بشر در طول پیشرفت فهم و درک و استنتاج خویش همواره از نشانه‌ها استفاده کرده است و از این روش آموزشی برای گریز از مفهومی به مفهوم دیگر بسیار الهام گرفته است.

با همین تفکر و کمی جستجو و مطالعه، دریافتم علمی وجود دارد با نام علم نشانه‌شناسی (Semiotics) به معنای علم مطالعه نشانه‌ها و نمادها. در تعریفش اینگونه آمده که علمی است که به بررسی انواع نشانه‌ها، عوامل حاضر در فرآیند تولید و مبادله و تعبیر و نیز قواعد حاکم بر آنها می‌پردازد. نشانه چیزی است که بر غیر خود دلالت دارد.

از نگاه علمی دانش نشانه‌شناسی بررسی معناسازی، فرایند شکل‌گیری نشانه‌ها و فهم ارتباطات معنادار است. نشانه‌شناسی شامل مطالعه ساخت و شکل‌گیری نشانه‌ها، اشارات،

۱. نشانه‌شناسی کهن الگوها در هنر ایران باستان و سرزمین‌های همجوار، صدرالدین طاهری، نشر شوراآفرین، ۱۳۹۶، صص ۱۶-۱۷.

مال خودش

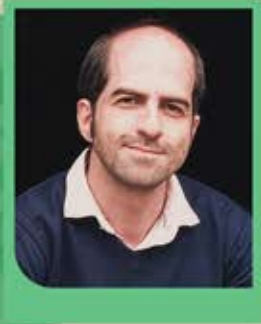
نویسنده: مریم علیزاده

۱۱ ساله، عضو کارگاه ادبی مرکز فرهنگی هنری قائمشهر



لم داده بود. در دنیایی که فقط مال خودش بود. مال خودش. او تلویزیون خودش را داشت. میز خودش و کلی چیزهای دیگر. او حتی حیوان خانگی هم نداشت. او فقط خودش را داشت و خانه اش. حتی تلفن را هم جواب نمی داد و حرف نمی زد. می سال های سال بود که در این خانه زندگی می کرد و بیرون نمی آمد. فقط وقتی بیرون می آمد که غذایش رسیده باشد. بله! می همیشه غذا سفارش می داد. سال های خیلی قبل می بیرون می آمد و کار می کرد او خیلی پول دار بود ولی به خاطر درون گرایی خودش دلش می خواست پولش را پس انداز کند و وقتی زیاد شد در خانه اش بماند و بیرون نیاید. او بیشتر وقت ها تلویزیون می دید و لم می داد. از این کار لذت می برد. تمام پرده های خانه ی می کشیده شده بود تا بیرون را نبیند. در این حد درون گرا بود. حتی ذره ای دوست نداشت خورشید زیبا را تماشا کند. امروز روزی است که اتفاقی میفتد و سرنوشت می عوض می شود. پنکه مثل همه ی تابستان ها داشت می چرخید و خانه را خنک می کرد. ولی آنقدر خانه گرم بود که می مجبور شد پنکه را تا آخرین حد زیاد کند. این تابستان اولین تابستانی بود که پنکه را تا آخرین حد زیاد کرده بود. البته تعداد تابستان های درون گرایی می چنان زیاد هم نبود. فقط ۲ تا بود و این سومی. می مثل همیشه روی مبل لم داد. کنترل تلویزیون را برداشت، پنکه را نگاه کرد و بعد پرده ی کنار رفته. پرده ی کنار رفته! می برای اولین بار در این ۳ سال بیرون را نگاه کرد. خورشید درخشان، پرده های مهاجر، ساختمان ها و جزئیات دیگری که قابل بیان نبود. چشمانش گرد شده بود. کنترل را روی مبل انداخت. با افتخار یک پایش را روی مبل گذاشت بعد آن یکی پا! بلند داد زد: «من می خوام بنویسم!» و داستان نویسنده گی می شروع شد. از آن روز به بعد پنجره های خانه ی می باز بودند ولی مثل همیشه از خانه بیرون نمی آمد. روزی که مثل همیشه داشت می خورد و می نوشت، فکری به ذهنش رسید! چند صفحه از دفترش ورق زد. بعد نوشت: لم داده بود. در دنیایی که فقط مال خودش بود. مال...





در ستایش بالش اتاق عمل

محمدجواد کشوری
مریی ادبی مرکز فرهنگی هنری ساری

در چنان حالی خود را با کمال میل به تیغ‌های جراحی سپردم. تازه فهمیده بودم چقدر این مجموعه برای انسان بار سنگینی بوده است. تمام افکار بیهوده و اضطراب‌آور که در طول روز، شب و حتی موقع خواب در ذهن آدم می‌لولند توی همین دو نیم‌کره‌ی پیچ‌درپیچ زندگی می‌کنند. همین باعث شده سر آدم نه یک کیلو و سیصد گرم، که ده برابر این مقدار احساس شود. یک بالش خوب همین‌جا وارد عمل می‌شود و بار سنگین سر انسان را با مهربانی می‌پذیرد.

وقتی از نامنی حرف می‌زنیم از چه حرف می‌زنیم؟ شاید اولین چیزی که در ذهن همه‌ی ما تداعی شود تصاویر جنگ، آوارگی، جنایت و از این دست است. کاملاً درست! اما فراگیرترین نوع آن نامنی ذهنی و روانی است. برآورده کردن انتظارات، حفظ آبرو، رسیدن به اهداف، دغدغه‌های بی‌شمار معیشتی، خطر بیماری، احاطه شدن با اخبار ناگوار و صدها بهانه‌ی دیگر برای روح و روان که خود را منقبض کند و کارایی خود را از دست بدهد.

بالش اتاق عمل کاری کرد که برای چندمین بار معدود در لحظه زندگی کردم. هیچ چیز نبود که دغدغه‌اش را داشته باشم. بدنم و مهم‌تر از آن سر و گردنم در راحت‌ترین حالت خود قرار داشتند. اکسیژن خالص را به ریه‌ی ناقصم می‌فرستادم. می‌دانستم همه‌چیز برای آرامش چند دقیقه‌ای من تا تزریق داروی بیهوشی فراهم است. لحظه‌های پیش از مرگ هم باید چیزی شبیه این باشد. بسیار شبیه لحظه‌های پس از تولد. نه گرسنگی، نه سیری، نه نگرانی آینده، نه حسرت کشیدن برای گذشته

نمی‌دانم مهارت بیهودهای است یا نه که گاهی در بحرانی‌ترین لحظه‌ها نهایت آرامش را تجربه می‌کنم. هر چه هست برای من نوعی ساز و کار تعادل ذهن است که ناخودآگاه وارد عمل می‌شود. کاش می‌توانستم این توانایی را پیدا کنم که آگاهانه از آن استفاده کنم. گاهی خودش را به شکل لوله‌ی آزاردهنده‌ی نشان می‌دهد که

بالش اتاق عمل راحت‌ترین بالشی بود که در عمرم تجربه کرده بودم. فکرش را هم نمی‌کردم یک بالش تا این حد می‌تواند در راحتی تأثیر داشته باشد. مثل داستان مادری که سر نوزاد پنجمش را در دست بگیرد و خیلی خوب بداند چطور؛ یا داستان مهربان‌ترین شکل فرشته‌ی مرگ. و این دو چقدر از هم دور و به هم نزدیک اند. دیگر سوزش فرو رفتن سوزن توی رگم و ترس از ماسک اکسیژنی که به صورتم می‌زدند اهمیت نداشت. یکی بود که می‌دانست چطور سر و گردنم را نگه دارد. همین کافی بود که حتی اگر کسی می‌گفت احتمال زنده ماندنم کم است اهمیت ندهم.

همان‌جا و در همان موقعیت بود که از خودم پرسیدم: «آیا در بحرانی‌ترین لحظه‌های زندگی پناهگاهی هست که فوراً بتوان به آن پناه برد؟» مأوایی که هیچ دل‌آشوبه‌ای راه به درونش پیدا نکند. چیزی شبیه یک غار امن برای انسان اولیه‌ای که از یک گله‌گرگ گرسنه فرار کند و به آن پناه ببرد. جایی هرچند نمودار و تاریک اما امن. جایی که در اعماقش، در تاریک‌روشنای ساکتش گلی کوچک از دل سنگ جوانه زده باشد و تو را آن‌چنان از شوق و شیفتگی سرشار کند که همه چیز را از یاد ببری. گمان نمی‌کنم چیزی مهم‌تر از امنیت برای نوع بشر، از ابتدا، وجود داشته باشد. خوراک، پوشاک، مسکن و تمام آن چیزهایی که کف هرم مازلو قرار دارند، به نظر من، در نهایت بر پی‌امنیت سوار شده‌اند و می‌توانستند جای خود را در هرم عوض کنند. امنیتی که گاه و بی‌گاه، خواه و ناخواه در معرض خطر قرار می‌گیرد و هرم را تا آستانه‌ی فروپاشی می‌برد.

البته که رسیدن چنین پرسشی به ذهنم در چنان موقعیتی خودش نشان از غرق شدن در حالات و مقاماتی مرکب از هیروت و نشئگی و آسودگی بود. امیدوارم ربطی به مسکن یا اکسیژنی که وارد خونم می‌شد نداشته باشد و هم‌هش حاصل نبوغ و آگاهی ذهن خودهوشمندپندار خودم باشد.

من جایی را می‌خواهم که بشود این دغدغه‌ها و نگرانی‌ها را از آن‌جا نگاه کرد. چیزی شبیه آموزه‌های «لائو تزو» در کتاب «تائو ت چینگ» که از آن به عنوان «مأوا» نام می‌برد. گویی همان قدرت ذهن که معنا می‌بخشد. شکل‌های گوناگونی دارد اما همان است که در جستجویش هستیم: «ذهن خود را از همه‌ی افکار خالی کنید. اجازه دهید دلتان آرامش یابد. ناآرامی موجودات را مشاهده کنید و در بازگشت آن‌ها دقیق شوید. هر موجودی در این خشنودید و چون مرگ فرارسد، آماده.» *جهان به مأوایی مشترک بازمی‌گردد. بازگشت به این مأوا آرامش یافتن است. اگر این مأوا را نمی‌شناسید، در اندوه و سردرگمی به این طرف و آن طرف می‌خورید. اگر بدانید از کجا آمده‌اید، ظرفیت تحملتان به طور طبیعی بالا می‌رود. بی‌نیاز، سرگرم، مهربان همچون مادر بزرگ و باشکوه همچون پادشاهان می‌شوید. غرق در حیرت تائو از آن‌چه زندگی برایتان به ارمغان می‌آورد خشنودید و چون مرگ فرارسد، آماده. *»

پنج یا شش ساعت بعد از بیهوشی بیدار شدم؛ گیج و منگ. تنها چیزی که یادم مانده این است که دیگر از آن بالش خبری نبود. سرم دوباره روی بالش کج و معوج بخش جراحی بود. این یعنی نگرانی‌ها کم‌کم قرار است سر و کله‌شان پیدا شود؛ عمل چقدر موفقیت آمیز بود؟ چقدر تمام بدنم درد می‌کند؟ چند روز دیگر باید بیمارستان بمانم؟ بله. ذهنم دوباره به تنظیمات کارخانه برگشته بود. حالا چطور تنظیمات کارخانه را عوض کنم؟

به زور می‌خواهد کنار ریه‌ام جا بگیرد. گاهی هم بالشی که زیر سرم قرار گرفته؛ یک بالش کوچک سفت و سخت که نفهمیدم چطور این‌قدر برایم عزیز شد.

قضیه‌ی بالش اتاق عمل را برای چند دوست دیگر، که تجربه‌ی عمل جراحی داشتند، تعریف کردم. چیز خاصی به یاد نداشتند و برایشان تازگی داشت. این باعث شد دوباره برگردم به ایده‌ی تبدیل لحظه‌های بحرانی به آرامش. این که ذهن من از بالش یک بهانه ساخت تا با آن به آرامش برسم. اصلاً این حس می‌توانست از پرتو باریک نور آفتابی باشد که از پنجره وارد می‌شد و می‌افتاد توی چشم‌های روشن تکنسین بیهوشی یا هر چیز مربوط یا نامربوط دیگر. هر کدام از ما سرانجام به چنین پناهی برای لحظه‌های بحرانی نیاز داریم. برای بعضی این بالش مناجات و ذکر، برای بعضی مرور خاطرات گذشته، موسیقی، مراقبه، یک فنجان چای، صحبت کردن با یک دوست یا... است.

بالش اتاق عمل به هزاران شکل در می‌آید. او مثل یک فرشته‌ی نجات خود را می‌رساند و در آغوش می‌گیرد. چطور می‌شود پیدایش کرد؟ راستش خودم هم نمی‌دانم. در واقع شروع کردم به نوشتن تا بهتر بشناسم‌اش. اگر می‌شود از همه چیز پناه ساخت پس می‌توان گفت که این ذهن است که به همه چیز معنا می‌دهد. این را می‌دانم. بارها از گوشه و کنار شنیده‌ام. اما درکی به این شکل از این جمله نداشت‌ام. درکی که تا این حد برای شخص خودم به کار بیاید نمی‌خواهم و نمی‌توانم تا همیشه در یک پناهگاه زندگی کنم و حواسم به دغدغه‌ها نباشد.



NEWS!

اخبار برگزیده
کانون



مدیرکل کانون پرورش فکری مازندران و دبیر هفته ملی کودک استان از برگزاری بیش از ۴۰۰ برنامه ویژه هفته ملی کودک در مازندران خبر داد

به مناسبت هفته ملی کودک از ۱۴ تا ۲۰ مهر مازندران بیش از ۴۰۰ برنامه متنوع با رویکرد کودک و نوجوان در مازندران از جمله نمایشگاه دستاوردهای حوزه کودک و نوجوان، نشستهای تخصصی ویژه کودک و والدین و ... برگزار شد.



موفقیت کانون پرورش فکری مازندران در جشنواره ملی هنرهای نمایشی کودک و نوجوان

در آیین پایانی و اهدای جوایز به برگزیدگان نوزدهمین جشنواره ملی هنرهای نمایشی کودکان و نوجوانان که با حضور وزیر آموزش و پرورش برگزار شد؛ در بخش برگزیدگان نمایش خلاق، رتبه سوم به معصومه آهنگری برای «قصه‌های من و بابام» مربی ادبی هنری مرکز ساری رسید. همچنین از ژیلای خاکپور، مسئول مرکز نور برای «دنیای خیال‌انگیز موسیقی» و سارا نوشیر، مسئول مرکز نوشهر برای «بازی با کارت» تقدیر شد. در بخش نمایشنامه‌نویسی از محمدجواد کشوری، مربی ادبی مرکز شماره سه ساری، نویسنده نمایشنامه «هیولای سرما» تقدیر شد. هیات داوران جشنواره نمایشی کانون در بخش تقدیری بازیگری هم از: وائیا فخاری، عضو مرک بهشهر برای «جادوی سیاه» قدردانی کرد.



به مناسبت هفته دفاع مقدس، مرکز فرهنگی هنری شماره سه کانون ساری، نمایش «آرزو» را به روی صحنه برد

این نمایش تولید شده مرکز فرهنگی هنری شماره سه ساری است که و نویسنده و کارگردان آن ایمانه رجبی است که با رویکرد دفاع مقدس و با موضوع شهدای غواص در این اداره کل تولید شده است.





معاون توسعه مدیریت و منابع کانون در سفر به کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان استان مازندران، خواستار استفاده از ظرفیت‌های کانون و مریبان آن برای تحول آفرینی فرهنگی و اقتصادی در این مجموعه فرهنگی شد

در سفر اداری امین کمالوندی، معاون توسعه مدیریت و منابع کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان کشور و مدیران کل حوزه اداری و مالی و سایر مدیران و مسئولان این حوزه به استان مازندران برنامه‌ها، طرح‌های کانون مازندران بررسی و از مراکز کانون پرورش و کانون زبان استان بازدید شد.

اجرای نمایش آتش سنگ در مراکز فرهنگی هنری غرب مازندران



فیلم سینمایی باغ گیانوش، فیلمی مهیج و جذاب، ویژه دانش آموزان، نوجوانان و خانواده‌ها در سینما کانون ساری



مراکز فرهنگی هنری کانون پرورش فکری مازندران در هفته ملی مازندران به اجرای ویژه برنامه‌های تخصصی به منظور معرفی و گرمی‌داشت این هفته پرداختند



تیم فوتسال کانون پرورش فکری مازندران رتبه سوم مسابقات سراسری فوتسال کانون را کسب کرد





صغرا خلیل تژاد- مربی فرهنگی کانون کیاسر

ساری، خیابان رودکی، جنب بوستان سنگ ، اداره کل کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان استان مازندران

www.mazandaran.kpf.ir

www.mazandaran.kanoonnews.ir

۰۱۱۳۳۶۰۸۵۶۵

